

به جای سرمقاله

در باره مفهوم شعار

"نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال!"

... گاهی وقتها شنیده می شود که جمهوری اسلامی به پاس شرکت در این جنگ سهمی در بازار سوریه نصیبش شده و این به نفع بورژوازی ایران. اما این استدلال بینهایت مضحک و غیر واقعی. چون اولاً بورژوازی ایران از تامین بازار خود کشور - یعنی بازار کشور بزرگی مثل ایران- عاجزه چه برسد به اینکه بخواهد بازار های کشورهای دیگر و از سوی دیگر همین سوریه که برخی فکر می کنند رژیم برای کسب بازار به آنجا رفته را تامین کنه و روش سلطه بیندازد. اتفاقاً در عمل در سوریه حتی بازاری هم در اختیار حکومت قرار نداده اند و سهم ترکیه که اتفاقاً داره با سوریه می جنگه در بازار سوریه خیلی بیشتر از ایران. پس اگر جمهوری اسلامی یک رژیم مستقل بود بطور طبیعی منافع ملی را بر هر مصلحتی که واقعا وجود داشت ارجح می دانست و نمی آمد همه امکانات یک کشور را بنداره به میدان جنگی که هیچ سودی برای اون کشور نداشته... صفحه ۲



**گرامی باد خاطره جاودان شهدای اردیبهشت ماه
چریکهای فدایی خلق ایران**

پاشنه آشیل مبارزات دلیرانه کارگران و راهکارها

فریبرز سنجرى

... با نگاهی به شرایط زندگی و مبارزات کارگران هر کسی می تونه ببینه که کارگران ما از فقدان تشکل مستقل صنفی و همچنین سازمان سیاسی مورد نیازشون در رنج هستن و صفوفشون شنیداً پراکنده ست. حالا در چنین وضعی عده ای از وجود سندیکا و اتحادیه در ایران صحبت می کنند و "سندیکای هفت تبه"، "سندیکای شرکت واحد" و "اتحادیه آزاد کارگران" که صرفاً نام هائی در روی کاغذ هستند و می تونن برای مقاصد خاصی مورد استفاده قرار بگیرند را به عنوان تشکل های کارگری جلو می دهند. البته سندیکای کارگران هفت تبه و شرکت واحد از سابقه متفاوت از "اتحادیه آزاد کارگران" و اخیراً هم "کنفدراسیون کارگری" برخوردارند. در دهه ۸۰ کارگران هفت تبه و رانندگان شرکت واحد به تلاش های زیادی برای ساختن سندیکاهائی مورد نیاز خودشون دست زدن ولی دیکتاتوری حاکم امکان ایجاد سندیکا رو نداد و اون تلاش ها ناموفق باقی ماند. اخیراً هم جریانی به نام کنفدراسیون کارگری در خارج از کشور علم شده... صفحه ۵

نگاهی به اوضاع کنونی ایران و

سیاست چپ و ویژگی های آن!

همه آنهایی که میخواهند با کمک خارجی و با کمک امپریالیستها جمهوری اسلامی برود و اینها بقدرت برسند نیروهای ضد مردمی و ارتجاعی هستند نمونه بارزش همین سلطنت طلبها هستند که نقش ضد انقلابی و واقعا تخریب گرایانه شون را ما در همین جنبش ۱۴۰۱ به عینه دیدیم. در لندن در تظاهرات در میدان "ترافلگار اسکوئر" در پشت بلندگو فریاد میزدند به چپا که ما خودمون میکشیمتان! یا در جاهای مختلف درگیری ایجاد میکردند و میکنند و بعد هم که ان شعار "مرگ بر سه مفسد ملا چپی مجاهد" را راه انداختند. اینها نیروهای هستند که هیچ سودی به نفع مردم ما ندارند جز ضرر؛ اینها تنیده هم هستند با وزارت اطلاعات و نیروهای ارتجاعی داخلی... صفحه ۱۱

قطارهای بدون درب!

... بنا به پیشنهاد یک راننده ریشکا به دیدن یک معبد نوساز رفتیم، معبدی که سه سال پیش توسط نارندرا مودی نخست وزیر کنونی هند افتتاح شده بود و همچنان کارگران مشغول کار بودند. این معبد که بیش از بیست سال وقت و با هزینه میلیاردری بها شده بود با تراشیدن مرمرهای رنگی گل و بلبل و طاووس و فیل و امثالهم تزیین شده بود و همچنان کارگران در حال تراشیدن مرمرهای رنگی بودند. با سرمایه ای که در این مدت برای ساختن معبد هزینه کرده بودند میتوان برای هزاران بی سر پناه خانه ساخت و هزاران گرسنه را سیر کرد. این معبد در دشت پهناوری و خارج از شهر بنا شده بود و سازندگان آن موفق شده بودند مردم بسیاری را جذب یک شخصیت کذایی کنند و مردم گرسنه و پا برهنه را به ستایش این بنای جدید بکشاند.... صفحه ۹

در صفحات دیگر

- مرگ رئیسی جلاد و شادی توده ها ۱۶
- گزارش آکسیون های فعالین سازمان علیه اعدام و سرکوب در انگلستان و هلند ۴ و ۲۰
- گزارش فعالین چریک های فدایی خلق ایران از مراسم و راهپیمایی های اول ماه مه در کشورهای مختلف در صفحات ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹

در باره مفهوم شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال"!



خواهان نابودیش هم بودند همه شاهد بودیم که چگونه امریکائی ها به این رژیم اجازه دادند که روزی بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر کند و یا میلیارد ها دلار از ذخایر ارزی اش را برایش قابل دسترس کردند. اینها کار هائی نیست که امریکائی ها برای رژیمی که مخالفشونه و قصد براندازی و یا "رژیم چنج اش" را دارند انجام بدهند.

همه فاکتها نشان می دهند که امداد های غیبی امپریالیستها یار و حامی همیشگی جمهوری اسلامی بوده و هنوز هم هست. امریکائی ها و اروپائی ها به جز در این مورد نفتی حالا اگر بخوام یک مورد دیگه از کارهاشون را بگویم اخیرا رو شد که این آلمانی ها چند هزار دروین به جمهوری اسلامی دادند - که یک جا خواندم ۸۰۰۰ عدد اما تعداد دقیقش رو نمی دانم چقدره - این دروین ها قراره به اسم کنترل ترافیک و این بهانه ها، زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند رو شناسائی و چهره آنها رو در اختیار نیرو های سرکوب قرار بدهند. باید واقعا ساده بود که همه این واقعیتها را نادیده گرفت و تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش را باور کرد و یا در تحلیل بر این تحلیلها تکیه کرد.

از طرف دیگه سیاستهای اقتصادی داخلی جمهوری اسلامی تماما در خط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پیش می ره؛ دو نهاد سرمایه داری انحصاری جهانی (اسم امپریالیسم را هم نمی برم که برخی ها ناراحت نشوند) و دولت آمریکا تو این نهاد ها حرف آخر رو می زنه. هر جا رهنمودهای این دو نهاد اجرا شده باعث گسترش فقر و فلاکت مردم و شورش گرسنگان شده. رهنمودهائی که به حساب پولدار شدن هر چه بیشتر یک

شاه از ایران بر افتاده امروز هم بیشتر نیرو های سیاسی هویت مستقلی برای جمهوری اسلامی قائل هستند. همین جا یاد آوری کنم که در دوره شاه کسی در سرسپردگی رژیم شاه به امپریالیستها و به خصوص به آمریکا شکی نداشت و این یک واقعیت پذیرفته شده بود که در سطح جنبش انقلابی همه به اون باور داشتند؛ درست بر عکس امروز که با توجه به تبلیغات ریاکارانه ای که سردمداران جمهوری اسلامی با شعارهای ضد امپریالیستی و عربده های ضد امریکائی گاهی وقت ها اشاعه می دهند و تحریم های غرب رو هم چاشنیش می کنند، (نیروهای مختلف) این ها را نشانه ای از تضاد جمهوری اسلامی با امپریالیستها و استقلال رژیم جا می زنند. در حالیکه همین خیزش ۱۴۰۱ برای کسانی که اسیر تبلیغات دروغین نمی شوند و یا حتی برای اون افراد و نیروهایی هم که برای سرنگونی رژیم به قدرتهای امپریالیستی دل بسته بودند، نشون داد که امپریالیستها چنان منافع عظیمی در ایران و وجود جمهوری اسلامی دارند که تا می توانند سعی می کنند این رژیم را سر پا نگهدارند؛ واقعیتی که می شه آن را به مثابه یکی از دستاوردهای مهم و با ارزش خیزش اخیر هم به حساب آورد. چرا که این خیزش همین واقعیت را نشان داد که آن قدرتهائی که شعار "زن، زندگی، آزادی" سر می دادند و وزرای خارجه شون گیس می بریدند، بیشترین کمک را به این رژیم کردند. و یا اون هائی که در کاخ الیزه مثلا مخالفین جمهوری اسلامی را می دیدند همان روزها با رئیسی هم تلفنی حرف می زدند. این مسائلیه که رو شد و به درک مردم ما از برخوردهای قدرتهای بزرگ یا امپریالیستها با رژیم کمک کرد.

در همین یک سال اخیر که مردم ما علیه جمهوری اسلامی پیاختند و

توضیح پیام فدایی: در تاریخ یکشنبه ۲۹ مرداد، ۱۴۰۲ جلسه ای در اتاق چریکهای فدایی خلق ایران (بذرهای ماندگار) در کلاب هاوس برگزار شد و رفیق فریبرز سنجری در سخنرانی ای تحت عنوان "خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و درسهای ماندگار آن" مواضع چریکهای فدایی خلق ایران در قبال این جنبش و درسهای آن برای آینده را مطرح کرد. در بخش بعدی رفیق سخنران به پرسش های طرح شده توسط حاضرین در باره این جنبش و برخی دیگر از مواضع چریکهای فدایی خلق ایران پاسخ داد. آنچه در زیر می آید پاسخ به یکی از این سوالات در مورد مفهوم شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" در شرایط ایران می باشد. این سخنرانی با برخی ویرایشهای جزئی به این وسیله در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد. *

در طرح بحثی هم که در ابتدا دادم گفتم که مایلیم که روی این مساله صحبت کنم که معنای استقلال در شعار مورد تاکید چریکهای فدائی خلق - که امپریالیستها رو دشمن اصلی مردم ایران می نامند - یعنی "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" چیه. اون موقع به خاطر اینکه از طولانی شدن بحث جلوگیری بشه این کار را نکردم اما حالا در این فرصت که داریم به بخش جمع بندی این بحث می رسیم خوبه به این اشاره کنم چون به خصوص جلوه هائی از برخورد به اون شعار رو هم در این اتاق دیدیم.

به خصوص که ما می بینیم همچون شرایط بعد از قیام بهمن که آشفتگی بزرگی در بین سازمانهای سیاسی شکل گرفت و بیشتر نیرو های سیاسی دچار این توهم شدن که سلطه امپریالیسم با سقوط رژیم

امکان سیر کردن شکم مردمش را ندارد و میلیارد ها دلار بودجه این کشور را صرف پیشبرد سیاستهای اربابانش کرده.

در نتیجه وقتی ما از "استقلال" یعنی رهائی ایران از زیر سلطه امپریالیستها حرف می زنیم به این دلیل که ما جمهوری اسلامی را رژیم وابسته به امپریالیسم می شناسیم و بطور طبیعی هر انقلابی علیه این رژیم اگر رهبری کارگری و انقلابی و کمونیستی داشته باشد بدون تردید به استقلال ایران می انجامد. اما ما می دونیم که خیلی ها مخالف این نظر هستند و اساسا جمهوری اسلامی رو رژیمی که ما توصیف می کنیم نمی بینند بلکه اون را رژیمی مستقل قلمداد می کنند و یا مضحک تر از آن اینکه گاهی وقتها هم اساسا اون رو یک رژیم ضد امپریالیست هم معرفی می کنند. البته این افراد و نیرو ها نیازی هم به تحقیق و ارائه فاکت و سند ندارند. چون اساس تحلیل خودشون را بر تبلیغات جمهوری اسلامی استوار کرده اند. یعنی تحلیل اون ها از همان جایی شروع میشه که تبلیغات جمهوری اسلامی تمام شده. اما این تبلیغات دروغ محضه. برخی از این نیرو ها که جمهوری اسلامی رو رژیمی مستقل جلوه می دهند اون رو یک رژیم سرمایه داری هم می شناسند. اما به روی خودشون نمی آورند که پس این سرمایه داری مستقل از امپریالیسم چگونه حیات پیدا کرد و این بورژوازی ملی و ضد امپریالیست از کجا شکل گرفت و بر کدام اقتصاد ملی در ایران متکی هست؟ به هر حال در این بحث در مورد وابستگی رژیم که در یک حدی هم به سوالهایی که در اتاق مطرح شد ربط داره باید تاکید کنیم که جمهوری اسلامی تا بن استخوان وابسته به امپریالیستهاست و به همین دلیل هم یکی از اهداف انقلاب بزرگ مردم ما باید همانا قطع سلطه امپریالیسم و کسب استقلال باشه که البته بدون رهبری طبقه کارگر هم دست نیافتنی است.

در مورد این بحثی که در این اتاق ارائه شد و جمع بتدی صحبت هائی که شد من با اینکه خسته تان هم کردم زیاد صحبت نمی کنم ولی خیلی خلاصه در سالگرد خیزش ۱۴۰۱ ما چند تا دستاورد این خیزش رو اسم بردیم، بهشون اشاره کردیم، که یکی اش نقش زنان و مبارزات واقعا دلاورانه اون ها بود. اینکه الان هم جمهوری اسلامی شروع کرده به سرکوب شدید زنان، به این خاطر که فکر می کنه که خیزش را شکست داده و حالا تهاجم خودش رو شروع کرده؛ "حجاب بان" راه انداخته که این خودش واقعا حتما به اعتراضات جدید تری دامن خواهد زد.

کلا این سیاست به نفع آمریکا و بقیه امپریالیستها می باشد.

سیاستهای جمهوری اسلامی در منطقه دقیقا نشان دهنده تلاش این رژیم در پیشبرد سیاستهای امپریالیستهاست. برای نمونه به سیاست دخالت نظامی اش در سوریه نگاه کنیم. جدا از تلفات نیروی انسانی که رژیم کلا در باره اش سکوت می کنه، جمهوری اسلامی حداقل حدود ۵۰ میلیارد دلار در سوریه خرج کرده -این عددی است که خودشون در دعوا های داخلی شون می گویند- که فعلا یک دلارش هم برنگشته و صدای اعتراض عده ای از طرفداران خود رژیم را هم در آورده. امری که نشان می ده که دخالت جمهوری اسلامی در سوریه نه کسب بازار برای بورژوازی ایران بلکه عمل به ماموریتی ست که اربابانش بر عهده وی گذاشته اند. هیچ کس محض رضای خدا جنگ نمی کند؛ بالاخره این جنگ باید منافع را تامین کند اما می بینیم که مشارکت در این جنگ برای ایران منفعتی ندارد.

کلا این سیاست به نفع آمریکا و بقیه امپریالیستها می باشد.

من چند روز پیش بود که یک خبری را می خواندم که مایلیم در اینجا بگویم. یکی از این مقامات دولت روسیه اعلام کرد که -در این فضاهاک مجازی دیدم -که اگر پروژه انمی جمهوری اسلامی نبود خیلی از صنایع انمی روسیه تا حالا مجبور بودند بخوابند (تعطیل شوند) و از کار بیفتند و کلی به ما ضرر می زد ولی این پروژه همه این صنایع را زنده کرد و اون ها توانستند روی پاشون بایستند.

یک نکته دیگه هم بگم گاهی وقتها شنیده می شود که جمهوری اسلامی به پاس شرکت در این جنگ سهمی در بازار سوریه نصیب شده و این به نفع بورژوازی ایران. اما این استدلال بینهایت مضحک و غیر واقعیه. چون اول بورژوازی ایران از تامین بازار خود کشور -یعنی بازار کشور بزرگی مثل ایران- عاجزه چه برسد به اینکه بخواهد بازار های کشورهای دیگه و از سوی دیگه همین سوریه که برخی فکر می کنند جمهوری اسلامی برای کسب بازار به آنجا رفته را تامین کنه و روش سلطه بیندازد. اتفاقا در عمل در سوریه حتی بازاری هم در اختیار جمهوری اسلامی قرار نداده اند و سهم ترکیه که اتفاقا داره با سوریه می جنگه در بازار سوریه خیلی بیشتر از ایران. پس نباید فراموش کرد که اگر جمهوری اسلامی یک رژیم مستقل بود بطور طبیعی منافع ملی را بر هر مصلحتی که واقعا وجود داشته باشه ارجح می دانست و نمی آمد همه امکانات یک کشور را بنداره به میدان جنگی که هیچ سودی برای اون کشور داره؛ آن هم در شرایطی که خودش

مشت انگل و تامین منافع انحصارات امپریالیستی داده میشه و توده مردم را به خاک سیاه می نشونه تا یک عده انگل پول دار شوند. سیاست خارجی رژیم هم درست در جهت تامین همین منافع امپریالیستهاست که داره پیشش می بره. علی الاصول، چپ ها -حالا اگر این اصطلاح درست باشه -و یا کمونیستها معتقدند که سیاست خارجی باید انعکاسی از سیاست داخلی باشه. اما بررسی واقعیت ها روشن می کنه که سیاست داخلی این رژیم به دلیل وابستگی اش، درست ادامه سیاست خارجی امپریالیستها ست و فاقد هر گونه جنبه ملی ست.

تنها نگاهی به پروژه ضد ملی اتمی این رژیم نشان می دهد که چگونه جمهوری اسلامی میلیارد ها دلار از بودجه کشور را صرف پروژه ای کرده که هیچ دستاوردی برای اقتصاد کشور نداشته و بر عکس باعث بحران هائی شده که نتیجه اصلی اش گسترش فقر و فلاکت مردم بوده. و به بهانه این پروژه هم امپریالیستها به خصوص آمریکا کلی حضورشان را در منطقه تقویت کردن و کلی سلاح با دستاویز مقابله با خطر جمهوری اسلامی در اختیار کشورهای منطقه گذاشتند و میلیارد ها دلار سود کردند در حالیکه با بخش کوچکی از آن بودجه ای که صرف این پروژه شد می شد از طریق سرمایه گذاری در انرژی خورشیدی کلی برق وارد شبکه سراسری برق کرد، که بعدا مجبور نشن به خاطر کمبود برق کل کشور را تعطیل کنند.

با بررسی همین فاکتهاست که باید تاکید کرد که سیاستهای جمهوری اسلامی در منطقه دقیقا نشان دهنده تلاش این رژیم در پیشبرد سیاستهای امپریالیستهاست. برای نمونه به سیاست دخالت نظامی اش مثلا در سوریه نگاه کنیم. جدا از تلفات نیروی انسانی که رژیم کلا در باره اش سکوت می کنه، جمهوری اسلامی حداقل چیزی حدود ۵۰ میلیارد دلار در سوریه خرج کرده -این عددی است که خودشون در دعوا های داخلی شون می گویند- که فعلا یک دلارش هم برنگشته و صدای اعتراض عده ای از طرفداران خود رژیم را هم در آورده. امری که نشان می ده که آنچه باعث دخالت جمهوری اسلامی در سوریه شده نه کسب بازار برای بورژوازی ایران بلکه عمل به ماموریتی ست که اربابش و یا اربابانش بر عهده وی گذاشته اند. بر کسی پوشیده نیست که هیچ کس محض رضای خدا جنگ نمی کند؛ بالاخره این جنگ باید منافع را تامین کند اما می بینیم که مشارکت در این جنگ برای ایران منفعتی ندارد و جز نشانی از سرسپرگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها نبوده و

گزارشی از تظاهرات علیه ماشین دار و شکنجه جمهوری اسلامی!



روز شنبه ۲۷ آوریل ۲۰۲۴، تظاهراتی در اعتراض به موج اعدام‌های اخیر توسط رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی، در میدان ترافلگار اسکوتر در شهر لندن برگزار شد. نیروها و سازمان‌های مختلفی فراخوان برگزاری این تظاهرات را داده بودند فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان دموکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان از زمره فراخوان دهندگان این تظاهرات بودند که حدود ۱۰۰ نفر از ایرانیان مبارز در آن شرکت کردند. در فراخوان این تظاهرات آمده بود "ماشین دار و شکنجه جمهوری اسلامی نابود باید گردد! در اعتراض به تداوم موج سرکوب و اعدام جمهوری اسلامی گرد هم آییم و صدای زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام در افکار عمومی مردم آزادیخواه باشیم. حمایت‌های آشکار و پنهان قدرتهای امپریالیستی از حکومت دار و شکنجه جمهوری اسلامی را هرچه وسیعتر افشا سازیم!"

در میدان ترافلگار، جایی که محل برگزاری تظاهرات بود، عکسها و بنرهای بزرگی حاوی تصاویر قربانیان ۴۵ سال قتل و جنایت جمهوری اسلامی قرار داده شده بود که توجه عابران را جلب می کرد. همچنین آرم چریک‌های فدایی خلق ایران و شعارهای "جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "پیروز باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم" و ... به زبانهای فارسی و انگلیسی بر روی زمین پهن شده بود. در طول این تظاهرات سخنرانی‌های متعددی صورت گرفت که در آنها به احکام اعدام صادره از سوی بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی و از جمله حکم اعدام توماچ صالحی، -رپری که به جرم سرودن و خواندن اشعار مبارزاتی و ضد حکومتی به مرگ محکوم شده-، اشاره و این حکم محکوم شده بود. رفیق محمد هشی از جمله سخنرانان این تظاهرات بود که طی چند نوبت به زبان انگلیسی، جلوه‌هایی از ۴۵ سال جنایات سیستماتیک رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و مبارزین و توده‌های ستمدیده بویژه زنان را برشمرد و احکام اعدام‌های وحشیانه اخیر را تداوم این جنایات نامید. سخنرانی‌های این رفیق توجه بسیاری از عابرین را به مراسم و وضعیت مردم ایران جلب می کرد و بسیاری از آنان با تظاهرکنندگان احساس همدردی و همبستگی می کردند. در طول این تظاهرات همچنین شعارهای زیادی به زبانهای انگلیسی و فارسی سر داده شد که از جمله آنها "شکنجه و قتل در ایران باید متوقف شود"، "قربانی کردن زنان در ایران باید متوقف شود"، "احکام اعدام باید متوقف شوند"، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "رژیم جمهوری اسلامی باید برود" و ...

در محل تظاهرات تعداد زیادی اعلامیه‌های افشاگرانه به زبان انگلیسی در میان عابرین پخش شد و مردم زیادی از بنرها و عکسها دیدن کرده و از آرم سازمان نیز عکس می گرفتند. این بخش از تظاهرات که از ساعت یک بعد از ظهر آغاز شده بود تا ساعت سه بعد از ظهر ادامه پیدا کرد و با موفقیت به پایان رسید.

نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران در لندن

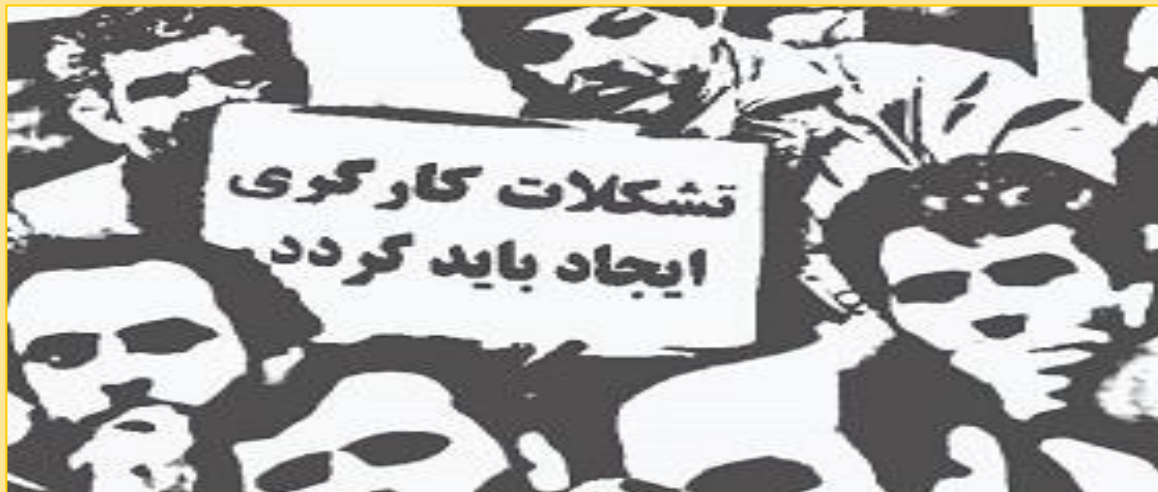
۲۰ آوریل ۲۰۲۴

چهارچوب بحث امروز بود که امیدوارم که به هر حال کمکی بوده باشه به شناخت هر چه بیشتر خیزش ۱۴۰۱. این بحث با خودش پرسشهایی هم به وجود آورد که چهارچوب بحث امروز بود که امیدوارم که به هر حال کمکی بوده باشه به شناخت هر چه بیشتر خیزش ۱۴۰۱. این بحث با خودش پرسشهایی هم به وجود آورد که

یکی دیگه (از دستاوردهای جنبش) شکل گیری هسته‌های سیاسی نظامی است. هسته‌های مبارزاتی‌ای که در کل این خیزش شکل گرفت و در همه جا این جوانمردانی که در این هسته‌ها بودند مراکز سرکوب رو به آتش کشیدند. کوکتل مولوتف به بخشی از فرهنگ خیزش ۱۴۰۱ تبدیل شد و همه از کوکتل مولوتف صحبت می کردند و اون رو به کار می بردند. حتی در نمونه سیزوار که من روش تاکید کردم از "رگبار کوکتل مولوتف" به یکی از مراکز بسیج اسم برده شد. بحث و تحلیل ما این بود که این هسته‌ها یکی از مهمترین دستاوردهای جنبش و خیزش ۱۴۰۱ است و باید حتما مورد توجه و تاکید نیروهای انقلابی قرار بگیره و از هر طریقی که می توانند به اون هسته‌ها کمک کنند و اون‌ها را تقویت کنند و اساسا به باور ما یکی از امیدهای مردم ما همین وجود این هسته‌ها و مبارزات جوانها ست که اگر ادامه پیدا کنه و اگر بتوانند خودشون را از زیر سرکوبهای "سربازان گمنام امام رمان" حفظ بکنند شرایط رو برای شکل گیری سازمانهای بزرگتر، گروه‌های بزرگتر، مهیا می کنند.

یک مورد دیگه هم اشاره کردم - که البته من توی این بحث زیاد روش وقت نگذاشتم - به آلترناتیو امپریالیستی بودن سلطنت که به نظر من برای همه روشنه. سلطنت یک آلترناتیو امپریالیستی چه از دوره رضا شاه و چه در دوره محمد رضا شاه همواره سلطنت پهلوی با سلطه امپریالیسم تنیده بوده. رضا شاه را انگلیسی‌ها روی کار آوردند شاه را هم با کودتای ۲۸ مرداد توسط انگلستان و آمریکا دو باره به قدرت برگرداندند. بنابراین این دو شاه که در سلطنت پهلوی مطرح اند هر دو شون نوکر و سرسپرده بودند. اگر بروید و کتاب تاریخ را بخوانید کتابهایی که در رابطه با تاریخ سلطنت رضا شاه نوشته شده، می بینید که رضا شاه با چه خفت و خواری بهش دستور می دهند که از ایران خارج بشه تا پسرش بیاید جایش ویا محمد رضا شاه هم که یکی از رفقا در این اتاق گفت که هوپیز چطوری بهش امر و نهی کرد که باید برود و او با خواری تمام می گفت "کجا بروم و کی بروم؟". به هر حال این اسناد وجود داره. اما حالا البته تبلیغات راه انداخته اند که اصلا این کودتا نبود و کودتای ۲۸ مرداد را می خواهند بکنند قیام ملی و سرنگونی مصدق را هم بکنند خواست مردم! اینها مزخرفاتیه که این روزها تبلیغ میشه به هر حال ما راجع به سلطنت این حد صحبت کردیم که البته کافی نیست و باید سلطنت و سلطنت طلب‌ها را حتما در ابعادی هر چه وسیع تر راجع بهشون حرف زد و افشاشون کرد ولی فعلا خود زندگی زده تو سرشون و اونها در این فاصله یک سال واقعا چهره‌ای از خودشون نشون دادند که دیگه کسی خیلی کمتر حتی در ایران زیر سانسور جمهوری اسلامی گرایشی به چنین شکل حکومتی از خودش نشان بدهد. این

پاشنه آشیل مبارزات دیرانه کارگران و راهکارها



جز این نداره که نظرات و ایده های مارکس را آموزش ببینه و حرکت های مبارزاتی خودشو به سوی نابودی نظام سرمایه داری جهت بده.

حالا، با گرمی داشت یاد مارکس و پار همیشگی اش فردریک انگلس و با تاکید بر این سخن لنین که علت قدرت بی انتهای آموزش مارکس در درستی اونه؛ برگردیم به روز جهانی کارگر و ببینیم که کارگران ما در ایران در چه شرایطی این روز را گرمی داشتن.

اولین نکته ای که در مورد جامعه ایران باید گفت اینه که کارگران ما در شرایط سلطه یک دیکتاتوری لجام گسیخته قرار دارند و این دیکتاتوری که تجلی اش رژیم جمهوری اسلامی سالهاست جنگ و تنش در خارج از کشور برای مثال در سوریه و یمن و لبنان و عراق را با سرکوب شدید داخلی پیش می بره و پیش برده . دیدیم که همین موشک پرانی واقعا مضحک و مسخره جمهوری اسلامی به اسرائیل جنایتکار- که در چند ماه گذشته بیش از ۳۰ هزار فلسطینی را در غزه کشته- در همین چند روز پیش رو هم جمهوری اسلامی درست این عملشان را توأم کرد با یورش وحشیانه به زنان برای تحمیل حجاب اسلامی. که از اون جا هم که سرکوب زنان در واقع سرکوب جامعه است به روشنی میشه فهمید که در این موقعیت هم دو باره جمهوری اسلامی آتش افروزی در خارج را با سرکوب داخلی تواما پیش برده است.

جمهوری اسلامی که با توسل به زندان و شکنجه و اعدام اکثریت مردم رو در فقر و فلاکت و زندگی در زیر خط فقر قرار داده، از شکل گیری هر گونه تشکل مستقل مردمی جلوگیری میکنه و در چنین شرایطی حتی اجازه برگزاری آزاد روز جهانی کارگر را به کارگران ایران نمی دهد. اگر خوب توجه کنیم این دیکتاتوری سگ نگهبان نظام سرمایه داریه که با سرکوب

درست به همین خاطر هم این اندیشمند و آموزگار کبیر طبقه کارگر جهان، دشمنی همه علم بورژوازی که مدافع حفظ بردگی کارگران می باشه و تبلیغات کینه توزانه دستگاه تبلیغاتی این طبقه رو بر انگیخت. بورژوازی، در مارکسیسم دشمنی می دید و می بینه که علیه بردگی کارگران اعلان جنگ داده. به همین خاطر هم سالهاست که دستگاه تبلیغاتی سرمایه داران از نسبت دادن هیچ تهمتی به مارکسیسم و حتی اعلام مرگ اون دریغ نورزیده اند. بگذارید به نمونه تازه ای از این تبلیغات ضد مارکسیستی اشاره بکنم. حتما شنیده اید که اخیرا فرماندار فلوریدا در ایالات متحده آمریکا قانونی رو به مجلس پیشنهاد داده که بر اساس آن در مدارس یا دانشگاهها درس‌هایی علیه مارکسیسم تدریس بشه. این نمونه خودش به خوبی ترس طبقه حاکمه از رشد مارکسیسم را آشکار می کنه.

اتفاقا کسانی که هر روز مرگ مارکسیسم رو فریاد می زنند و از پایان کمونیسم سخن می گویند قادر به درک این نکته نیستند که از آنجا که اندیشه مارکس بیان تئوریک تضاد های موجود در نظام سرمایه داریه و موقعیت طبقه کارگر در این نظم ظالمانه را تشریح می کنه و از اون اخذ شده بنابراین تا این طبقه در حیات مادی جامعه سرمایه داری موجودیت داره، این تئوری هم همچنان وجود خواهد داشت، چون تئوری مارکس منعکس کننده واقعیت های جامعه سرمایه داریه و او از آرمانهای کارگران دفاع کرده و راه رهائی اون ها رو نشان داده.

مارکس اعلام کرده که شرط رهائی کارگران از ستم و استثمار نابودی نظام سرمایه داریه. در واقع هم اگر طبقه کارگر بخواد از شرایط دهشتناکی که سرمایه داران برای کارگران در سراسر جهان به وجود آورده‌اند، رهائی پیدا بکنه چاره ای

توضیح پیام فدایی: در تاریخ ۵ ماه می ۲۰۲۴ برابر با ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۲ رفیق فریبرز سنجری در اتاق بذره‌های ماندگار چریکهای فدایی خلق ایران در کلاب هاوس در بزرگداشت اول ماه مه سخنرانی ای در رابطه با مبارزات کارگران ایران و موانع آن ایراد کرد و در پایان به پرسشهای شرکت کنندگان نیز پاسخ گفت. آنچه در زیر می آید متن این سخنرانی ست که به این ترتیب به اطلاع علاقه مندان می رسد. فایل صوتی این برنامه از طریق لینک زیر در دسترس می باشد:

<https://www.youtube.com/watch?v=Bnc15htzY2Q>

با درود به همه عزیزانی که در جلسه امشب حضور دارند و با تشکر از مسئولین اتاق بذره‌های ماندگار که امکان این جلسه رو مهیا کردند. با توجه به این واقعیت که جلسه امشب در بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر روز جهانی کارگر رو به شما و تمامی کارگران و ستمدیدگان تیریک می گم و یاد و خاطره همه کارگران و کمونیستهای که برای رهائی از نظم ظالمانه سرمایه داری جنگیدن و در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگر به دست مزدوران سرمایه داران جان باختند را گرمی می دارم . همه آنهائی که برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم جان فدا کردند.

قبل از هر صحبتی با توجه به اینکه امروز ۵ ماه مه که زاد روز کارل مارکس اندیشمند بزرگ طبقه کارگره ، یاد وی رو گرمی می دارم؛ یاد اندیشمند و انقلابی بزرگی که برای نخستین بار موقعیت طبقه کارگر در نظام سرمایه داری رو تشریح کرد و نشان داد که این طبقه قادر به ایجاد سوسیالیسمه و بر رسالت این طبقه در آزادی بشریت از قید هر گونه ظلم و ستم تاکید کرد. مارکس مکتبی رو بنیان گذاشت که هدفش سرنگونی سرمایه داری ست.

برای مقاصد خاصی مورد استفاده قرار بگیرند را به عنوان تشکل های کارگری جلو می دهند.

البته سندیکای کارگران هفت تپه و شرکت واحد از سابقه متفاوت از "اتحادیه آزاد کارگران" و اخیراً هم "کنفدراسیون کارگری" برخوردارند. در دهه ۸۰ کارگران هفت تپه و رانندگان شرکت واحد به تلاش های زیادی برای ساختن سندیکاهائی مورد نیاز خودشون دست زدن ولی دیکتاتوری حاکم امکان ایجاد سندیکا رو نداد و اون تلاش ها ناموفق باقی ماند. اخیراً هم جریانی به نام کنفدراسیون کارگری در خارج از کشور علم شده.

در مورد علم کردن این کنفدراسیون کارگری لازم می دانم تاکید کنم که این امر جلوه آشکاری از تشکل سازی فلاپی و کاغذی برای کارگران هست که نه تنها سودی برای کارگران ما ندارد بلکه تلاشی مذبحخانه ست برای ایفای نقش در یک شرایط بحرانی به ضرر کارگران. سازماندهندگان جلوی صحنه این تشکل سازی قصد دارند از هم اکنون به نام کارگران در آترناتیو سازی های امپریالیستی جای تشکل یا تشکل های واقعی کارگری را پرکنند که البته خیال باطلیه ولی اینها هم برای دربند نگاه داشتن کارگران ایران تلاش خودشونو می کنند.

اما ما باید از این واقعیت هم صحبت کنیم که پراکندگی صفوف کارگران واقعیتیست که حتی با اشاره به حداقل دستمزد تعیین شده امسال توسط شورای عالی کار جمهوری اسلامی هم می شه به طور واضح اونو دید و اون را توضیح داد و متوجه شد که اگر کارگران ما از تشکل های مستقل خودشون برخوردار بودند و این تشکل ها مثل تشکل های مشابه در اروپا در قانون به رسمیت شناخته می شدن، و در محیط کار کارگران را نمایندگی می کردند اون وقت جمهوری اسلامی به راحتی نمی تونست در شرایط رشد روز افزون قیمت ها و در شرایطی که خود نهاد های دولتی از خط فقر ۲۵ و ۳۰ میلیون تومانی در ماه حرف می زند، حداقل دستمزد را برای سال ۱۴۰۲ یعنی همین سالی که نوش هستیم " ۸ میلیون و ۲۰۸ هزار تومان" در ماه تعیین بکنه. یعنی حقوق کارگران رو چند برابر زیر خط فقر قرار بده. تازه این رقم برای کارگرانیست که شامل قانون کار هستن نه میلیونها کارگری که خارج از این قانون ضد کارگری وحشیانه استثمار می شوند. به خصوص زنان کارگری که در کارگاه های کوچک به شدید ترین وجه استثمار می شوند و تحت انواع آزارها قرار می گیرند تا بتوانند یک لقمه ای نان برای خانواده خود دست و پا کنند. خود همین واقعیت به روشنی نشان می ده که به رغم اعتراضات کارگران، اما دیکتاتوری حاکم کار

از اول اردیبهشت، کارگران کارخانه کاغذ پارس در شوش خوزستان اعلام اعتصاب کردن. این اعتصاب پس از تعطیلی برخی از خطوط تولید و پس از آن که کارفرما حدود ۱۰۰ کارگر را از کار اخراج کرد، آغاز شد. کارگران اعتصابی خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی و افزایش دستمزد و کنار گذاشته شدن پیمانکار شدند. اما کارفرما از یک طرف وعده های فریبکارانه داد و از طرف دیگر برای ۱۲ تن از کارگران در آستانه روز جهانی کارگر، در مراجع قضایی و امنیتی مبادرت به تشکیل پرونده کرد. معنی این کار چیه؟ معنائی جز این نداره که سرمایه داران امروز در سایه رژیم دیکتاتور حامی شون طوری علیه کارگران قدرت نمائی می کنند! که اصلاً سابقه نداره آنها نه تنها اجباری نمی بیند که به حداقل خواسته های کارگران تمکین بکنند بلکه علیه کارگران اعلام جرم هم می کنند.

اجازه بدید در همین جا به یکی از تازه ترین اعتصابات کارگری که به نوعی موقعیت بیشتر اعتصابات کارگری رو هم نشون می ده، اشاره کنم. ببینید، از اول اردیبهشت، کارگران کارخانه کاغذ پارس در شوش خوزستان اعلام اعتصاب کردن. این اعتصاب پس از تعطیلی برخی از خطوط تولید و پس از آن که کارفرما حدود ۱۰۰ کارگر را از کار اخراج کرد، آغاز شد. کارگران اعتصابی خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی و افزایش دستمزد و کنار گذاشته شدن پیمانکار شدند. اما کارفرما از یک طرف وعده های فریبکارانه داد و از طرف دیگر در عمل برای ۱۲ تن از کارگران در آستانه روز جهانی کارگر، در مراجع قضایی و امنیتی مبادرت به تشکیل پرونده کرد. معنی این کار چیه؟ معنائی جز این نداره که سرمایه داران امروز در سایه رژیم دیکتاتور حامی شون یعنی جمهوری اسلامی طوری علیه کارگران قدرت نمائی می کنند! که اصلاً سابقه نداره آنها نه تنها اجباری نمی بیند که به حداقل خواسته های کارگران تمکین بکنند بلکه علیه کارگران اعلام جرم هم می کنند و پای کارگران معترض که حق طبیعی خودشون را می خواهند را به مراجع قضائی و امنیتی هم می کشوند. باید توجه کنیم که اونچه در مورد کارگران کاغذ پارس در شوش به وجود اومده تصویری از بیشتر اعتصابات کارگری در ایران. که در تمام این سالها تک تک ما شاهدش بودیم.

در این اوضاع، با نگاهی به شرایط زندگی و مبارزات کارگران به روشنی هر کسی می تونه ببینه که کارگران ما از فقدان تشکل مستقل صنفی و همچنین سازمان سیاسی مورد نیازشون در رنج هستن و صفوفشون شدیداً پراکنده ست. حالا در چنین وضعی عده ای از وجود سندیکا و اتحادیه در ایران صحبت می کنند و "سندیکای هفت تپه"، "سندیکای شرکت واحد" و "اتحادیه آزاد کارگران" که صرفاً نام هائی در روی کاغذ هستنند و می تونن

گسترده و شدید کارگران و همه ستمدیدگان جامعه، ایران را به بهشتی برای سرمایه داران بدل کرده .

اما این هم واقعیتیست که به رغم همه سرکوب ها و تحمیل واقعا فقر و فلاکت بر زندگی کارگران و در شرایط فقدان تشکل های مستقل کارگری و سازمان سیاسی طبقه کارگر که در پیوند با مبارزات کارگران باشه، بازهم هر روز در هر گوشه کشور شاهد اعتراضات و مبارزات کارگران و پرستاران و زنان و بازنشستگان و معلمین و ملیتهای تحت ستم هستیم. می بینیم که خشم و نفرت مردم از وضع موجود شرایطی رو سبب شده که یکی از مؤلفه های شرایط کنونی شدت و گستردگی مبارزات کارگران و ستمدیدگان هستنش. این مبارزات از خوزستان تا خراسان و از سیستان و بلوچستان و هرمزگان تا آذربایجان و کردستان هر روز ادامه داره و فریاد کارگران را در سطح جامعه پژواک می ده. تازه همه این مبارزات در شرایطی رخ می ده که کارگران از فقدان تشکل های مستقل خود شون در رنج اند و همین پراکندگی صفوف کارگران قدرت سرمایه داران را برای این که به مطالبات کارگران پاسخ ندهند فزونی بخشیده. بگذارید برای نمونه به برخورد اخیر یک کارفرما با کارگران اشاره بکنم که همین واقعیت را با زبان ضد کارگری خودش بیان می کنه.

واقعه این بود که چند روز پیش شهردار فردیس کرج در مقام یک کارفرما به کارگرانی که خواهان سه ماه حقوق معوقه خود شون بودن، یعنی کار کردن و حقوق شون پرداخت نشده و خواهان حقوق پرداخت نشده شان هستنند اعلام کرد و گفت **در عرض یک ساعت، تسویه حساب می کنم چون نیرو تو شهر زیاده.** به این شکل او تهدید کرد که همه کارگرهائی که حقوق معوقه خودشونو طلب می کنند را اخراج خواهد کرد! حرف این کارفرمای بی شرم واقعیت اوضاع کنونی رو به روشنی نشان می ده. در این اوضاع، یعنی در شرایط وجود ارتشی فشرده از بیکاران جویای کار و در شرایط فقدان تشکل و نبود یک سازمان انقلابی در پیوند با مبارزات کارگران، روشنه که توازن قوای موجود بین کارگران و سرمایه داران به ضرر کارگران است و این یک واقعیت دردناک اما روشنه. ولی درست در چنین اوضاعی هم باز ما شاهد مبارزات کارگران و اعتصابات کارگران هستیم. تجمعات اعتراضی کارگران فولاد اهواز، اعتصابات کارگران کاغذپارس، اعتراضات کارگران شرکت های نفت و پتروشیمی ها کارگران راه آهن و کارگران هفت تپه و کارگران برق معروف به کلاه زرد ها و کارگران مخابرات و بازنشستگان کارگری و کارگران شهرداری های مختلف و ده ها مورد دیگر همه این ها جلوه هائی از این مبارزات در سراسر کشور هستنند.

رنجه از چه تشکل های صنفی ای که وجود نداره به نام تشکل واقعی نام برده می شه!

اما آن خطی که دیکتاتوری را مانع اصلی سازمانیابی کارگران و روشنفکران طبقه کارگر می دونه که ما یعنی چریکهای فدائی خلق ایران خودمون را در آن چهارچوب تعریف می کنیم بر این تحلیل متکیه که باید در درجه اول شیوه ای از مبارزه را در پیش گرفت که بتواند در سد دیکتاتوری شکاف ایجاد بکنه و از این طریق زمینه را برای متشکل شدن کارگران به وجودبیاره. اگر خوب توجه کنیم می بینیم که این خط بر اساس فاکتورها و واقعیات بسیاری از دل خود واقعیت بیرون اومده و در فاصله طولانی هم خود زندگی اونو به اثبات رسانده. پس اگر به دنبال راهکار برای متشکل شدن کارگران در شرایط دیکتاتوری حاکم بر ایران هستیم باید این خط را دنبال کنیم. حالا این خط را می شود بیشتر هم توضیح داد.

سیند، در شرایط دیکتاتوری ای که به باور ما ذاتی سلطه بورژوازی وابسته حاکم بر ایران، نه کارگران و نه روشنفکران انقلابی این طبقه امکان پیدا نمی کنند که در پروسه ای مسالمت آمیز متشکل بشوند. چون استبداد حاکم هر گونه تشکل را بیرحمانه سرکوب می کنه. نمونه تلاش های کارگران برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل رو در دهه ۸۰ در نظر بگیریم که نتیجه اش باعث شد که کارگران زندانی بشوند، شکنجه بشوند و در عمل هم تشکل مستقلی به وجود نیاید.

ما اگه به تاریخ مبارزاتی مردم ایران و تاریخ جنبش کارگری هم رجوع بکنیم می بینیم که در هر زمان که به هر دلیلی در سد دیکتاتوری شکاف افتاده، هم خود طبقه کارگر و هم روشنفکران این طبقه توانسته اند تا حدی خودشونو سازمان بدهند و متشکل بشوند. برای مثال دیکتاتوری رضا شاه اگر به تاریخ مراجعه بکنیم همه تشکل هائی که در شرایط انقلاب مشروطیت به وجود اومده بودند را نابود کرد. اما زمانی که به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم و تضعیف امپریالیسم انگلستان شرایط سقوط حکومت رضا شاه به وجود اومد و انگلیسی ها اونو به جزیره موریس تبعید کردن در آن زمان ضعف حکومت مرکزی، آشکار شد و ما شاهد فضای باز سیاسی ای بودیم که در بستر آن تشکلات کارگری و سازمانهای سیاسی بسیاری شکل گرفتند. این وضع نزدیک به ۱۲ سال ادامه داشت تا این که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد این فضا کاملا دگرگون شد و حکومت شاه که حالا دیگه با کمک های امپریالیست های انگلیس و آمریکا قدرت زیادی گرفته بود، همه

در شرایط دیکتاتوری ای که به باور ما ذاتی سلطه بورژوازی وابسته حاکم بر ایران، نه کارگران و نه روشنفکران انقلابی این طبقه امکان پیدا نمی کنند که در پروسه ای مسالمت آمیز متشکل بشوند. چون استبداد حاکم هر گونه تشکل را بیرحمانه سرکوب می کنه. نمونه تلاش های کارگران برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل رو در دهه ۸۰ در نظر بگیریم که نتیجه اش باعث شد که کارگران زندانی بشوند، شکنجه بشوند و در عمل هم تشکل مستقلی به وجود نیاید. ما اگه به تاریخ مبارزاتی مردم ایران و تاریخ جنبش کارگری هم رجوع بکنیم می بینیم که در هر زمان که به هر دلیلی در سد دیکتاتوری شکاف افتاده، هم خود طبقه کارگر و هم روشنفکران این طبقه توانسته اند تا حدی خودشونو سازمان بدهند و متشکل بشوند.

میشه با این هیولا در افتاد و سد دیکتاتوری حاکم را از بین برد و یا در آن شکاف انداخت؟

اجازه بدین قبل از این که به این سنووال بپردازم، به این واقعیت اشاره کنم که در بیش از نیم قرن گذشته در جنبش کارگری و کمونیستی ایران همواره دو خط در مقابل هم قرار داشته اند. یکی خطیه که مطرح می کرد و می کنه که در شرایط دیکتاتوری حاکم در ایران امکان سازمانیابی کارگران و توده های ستمدیده در مسیر مبارزات مسالمت آمیز وجود نداره و خط و نظر دیگه هم مدعی بود و هست که در طی مبارزات مسالمت آمیز، کارگران امکان تشکل یابی دارند. یعنی این امکان را خیلی واقعی می دید؛ این نظر بر عکس نظر اول کاری به واقعیت نداشته و نداره و عملکرد دیکتاتوری رو بطور واقعی درک نمی کنه و یا اون را در تحلیل ها و رهنمودهایش به حساب نمی آورد و امروز هم درک نمی کنه نه اون موقع درک می کرد و نه امروز می کنه و واقعا به حساب نمی آره که با چه دیکتاتوری ای سر و کار داره. از این دسته در جنبش به نام مدافعین کار آرام سیاسی نام می بریم. همین ها امروز در حوزه مبارزات اقتصادی کارگران، تشکل هائی که کارگران رو در صحن کارخانه نمایندگی نمی کنند رو سندیکا و اتحادیه کارگری قلمداد می کنن؛ و یا تجمع تعدادی روشنفکر که هیچ ارتباطی با طبقه کارگر ندارند را حزب طبقه کارگر نام می برند یا معرفی می کنند. من خودمو از نام بردن از آنها بی نیاز می دونم چون هر رفیقی با نگاهی به صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی به راحتی متوجه می شه که چقدر احزاب کاغذی وجود داره؛ و در شرایطی که طبقه کارگر از بی سازمانی رنج می کشه و واقعا در

خودشو می کنه و حتی حاضر نیست ارزش نیروی کار را در حدی که برای بازتولید اون لازمه تعیین بکنه. این واقعیت که کارگران به اضافه کاری های وحشتناک و پیدا کردن شغل های دوم و سوم مجبور کرده. این وضع در شرایطی ممکن شده که با توجه به بحرانی بودن سیستم سرمایه داری که البته ابعاد جهانی داره، یک ارتش بزرگ از کارگران جویای کار به وجود اومده و جمهوری اسلامی با تکیه بر ابعاد وسیع بیکاری و پراکندگی صفوف کارگران با منجمد کردن دستمزد آنها هر روز سفره خانواده های کارگری رو کوچکتر و کم رونق تر می کنه اونهم در شرایطی که کارگران لحظه ای از مبارزه برای بهبود زندگی خودشون و تغییر شرایط کارشون باز نمانده اند.

می بینیم که در این اوضاع، اون چه که مهمه اینه که قدرت چانه زنی کارگران محدود و تضعیف گشته و یک عامل مهم در این امر هم پراکندگی صفوف اونهاست یعنی در رنج بودن کارگران ما از عدم وجود تشکل های مستقل صنفی خودشون. همین طور می بینیم آنچه باعث شده توازن قوا بین کارگران و دشمنانشان به ضرر کارگران باشه فقدان یک نیروی سیاسی انقلابی مدافع راستین طبقه کارگر در صحنه ست، نیروئی که بتونه راه درست مبارزه را در پیش بگیره و به ضرر دشمن عمل بکنه تا شرایطی به وجود بیاد که سنگینی توازن قوا به نفع کارگران تغییر بکنه. البته می دونیم که یک چنین نیروی انقلابی در نهایت کارش کمک به کارگران برای متشکل شدن و نابودی کل سیستم سرمایه داریه و این خود کارگران هستند که باید خودشونو از فید استثمار سرمایه دار ها رها بکنند.

حالا از این بحث می خوام توجه رفقا و دوستانو به این امر جلب بکنم که از نظر من پاشنه آشیل مبارزات کارگران ما در حال حاضر متشکل نبودن اونهاست، چه در تشکل های صنفی شان و چه در سازمان یا حزب طبقاتی خودشون.

پس همین واقعیت باید نقطه حرکت کارگران پیشرو و روشنفکران طبقه کارگر قرار بگیره تا اونا با درک پاشنه آشیل مبارزات کنونی، راه های غلبه بر این مشکل و مانع را پیدا بکنن. در واقعیت امر، هر کارگر آگاه و هر روشنفکر دلسوز و مدافع رهایی طبقه کارگر در اولین گامها برای غلبه بر موانعی که در مقابل شکل گیری تشکل های مستقل کارگری و مهمتر از اون شکل گیری سازمان سیاسی طبقه کارگر که در پیوند با زندگی و مبارزات کارگران باشه خودشو با هیولای دیکتاتوری مواجه خواهد دید. پس در مقابل کارگران آگاه و مبارز و روشنفکرانی که قلبشان با آرمانها و مطالبات کارگران می تپه این پرسش قرار می گیره که چطور

اون سازمانها و تشکلات کارگری رو به وحشیانه ترین شکلی سرکوب کرد.

یک تجربه دیگه رو هم در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ داریم. این بار به دلیل انقلاب عظیم مردم ایران یک بار دیگه در سد دیکتاتوری شکاف ایجاد شد و تا حکومت جدید بتونه خودشو سر و سامان بده و دیکتاتوری اش را به طور کامل اعمال بکنه، فضای تقریباً آزادی به وجود اومد که در این فضا نوعی تشکل کارگری تحت عنوان شورا های کارگری امکان شکل گیری پیدا کردن که بعد با سرکوب خونین سال ۶۰ و با سلطه کامل سرنیزه بار دیگه همه ی اون تشکلات کارگری سرکوب و نابود شدند. در واقع اگر به سلطه جمهوری اسلامی از سال ۶۰ تا کنون هم نگاه کنیم باز هم به روشنی می بینیم که با گسترش دیکتاتوری این رژیم در سراسر کشور امر سازمان یابی کارگران لگد مال این سلطه شده. پس تحلیلی که شکاف در سد دیکتاتوری رو برای سازمانیابی طبقه کارگر امری اساسی می دونه متکی بر چنین فاکتورهای عینی ایه. یعنی خود واقعیت ثابت می کنه که راهکار واقعی برای فراهم کردن شرایط سازمان یابی طبقه کارگر و رفع پاشنه آشیل مبارزات کارگری در ایران، **مبارزه برای شکاف انداختن در سد دیکتاتوری حاکمه.**

حالا برای اینکه این بحث رو در روال درست اش پیش ببریم لازم می دونم قبل از پرداختن به راهکارهایی که می تونه در سد دیکتاتوری شکاف ایجاد بکنه بر این واقعیت هم تاکید کنم که جوانان و روشنفکران انقلابی نباید اسیر تبلیغاتی بشوند که همه وظیفه روشنفکران انقلابی رو شرکت در مبارزات اقتصادی و سازمانیابی اقتصادی مبارزات صنفی کارگران قرار داده اند و برای این منظور از ایجاد هسته های مخفی کارخانه و هسته های سرخ و غیره حرف می زنند. این تفکر به تنها امری که نمی پردازد ضرورت مبارزه سیاسی کارگران و سازماندهی سازمان سیاسی این طبقه هستش. در حالی که **به قول رفیق پویان با گرمی داشت خاطره فراموش نشدنی اش رابطه با پرولتاریا هدفش کشاندن این طبقه به شرکت در مبارزه سیاسی و نه محدود شدن در مبارزات اقتصادی که خود کارگران بهتر از هر کسی می توانند اونو پیش ببرند. البته،** برای جلوگیری از هر برداشت نادرستی تاکید کنم که منظور عدم توجه به مبارزات اقتصادی کارگران و عدم کمک به شکل گیری تشکل های کارگری عدم حمایت از حق کارگران در داشتن تشکل های مستقل نیست بلکه مساله بر سر انتخاب راه درسته. اساساً کمونیست ها همانطور که رفیق پویان مطرح کرده باید بدونند که **خود آگاهی طبقاتی پرولتاریا تنها در جریان مبارزه**

اگر بحث بر سر یک راهکاریه که بشه بر پراکندگی صفوف کارگران فائق اومد تا کارگران بتوانند در ارگان های صنفی و سیاسی خودشون متشکل بشوند، ما همواره گفته و تاکید کرده ایم که کارگران آگاه باید دست در دست روشنفکران انقلابی طبقه کارگر با ایجاد هسته های مخفی که الزاما باید سیاسی نظامی باشه دست به اعمال قهر انقلابی بزنند و به مقابله با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی بلند بشوند. در بستر این مبارزات، سازماندهی مسلح توده ها و مقابله با نیروهای مسلح دیکتاتوری حاکم به وجود می آید و در پروسه و به تدریج سد دیکتاتوری شکاف برمی داره و شرایط برای سازمانیابی کارگران و در نهایت رسیدن به هدف اصلی که همانا نفی استثمار و رسیدن به یک جامعه سوسیالیستیه، فراهم می شه.

سیاسیه که وسیع ترین امکان ظهور و رشد خودشو باز می یابه.

این تاکید را لازم دونستم به خاطر اینکه نباید فراموش کرد که کمونیستها برای سازماندهی صف مستقل طبقه کارگر و اعمال هژمونی این طبقه در مبارزه برای رهایی کارگران از هرگونه ستم و استثمار می جنگند. در حالی که به صرف شرکت در مبارزات اقتصادی طبقه کارگر و در شرایطی که دیکتاتوری حاکم امکان ایجاد سازمان سیاسی طبقه کارگر در جریان مبارزات مسالمت آمیز رو نمی دهد، نمی شه به این هدف عالی دست پیدا کرد. با این توضیح حالا برگردیم به این امر که چطور می شه در سد دیکتاتوری حاکم شکاف انداخت.

همانطور که قبلاً گفتم تجربه نشون داده که عوامل مختلفی می توانند در سد دیکتاتوری شکاف بیندازند. مثال های تاریخی را هم گفتم. اما بحث ما بر سر حرکت آگاهانه کارگران و پیشروانشان هستش. در اینجاست که لازم میشه با رژیم می که جز زبان زور نمی شناسه، با زور سخن گفت. بنابراین کارگران آگاه و پیشرو و روشنفکران انقلابی به اعمال قهر انقلابی متوسل می شوند تا در مقابل قهر ضد انقلابی دیکتاتوری حاکم یعنی جمهوری اسلامی ایستادگی بکنند و بتوانند در درجه اول سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود بیارند که در شرایط دیکتاتوری حاکم بر ایران الزاما سازمانی مخفی و با سازماندهی سیاسی نظامیه و تجربه چریکهای فدائی خلق در دهه پنجاه هم نشون داد که در شرایط دیکتاتوری بورژوازی وابسته در ایران تنها یک چنین

سازمانی واقعاً امکان بقا و امکان پیش روی داره. چنین سازمانی می تونه با توسل به مبارزه مسلحانه به تدریج در سد این دیکتاتوری شکاف ایجاد بکنه.

بنابراین اگر بحث بر سر یک راهکاریه که بشه بر پراکندگی صفوف کارگران فائق اومد تا کارگران بتوانند در ارگان های صنفی و سیاسی خودشون متشکل بشوند، همین راهکاره را باید در پیش بگیرند. به همین دلیل هم هست که ما همواره گفته و تاکید کرده ایم که کارگران آگاه باید دست در دست روشنفکران انقلابی طبقه کارگر با ایجاد هسته های مخفی که الزاما باید سیاسی نظامی باشه دست به اعمال قهر انقلابی بزنند و به مقابله با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی بلند بشوند. در بستر این مبارزات، سازماندهی مسلح توده ها و مقابله با نیروهای مسلح دیکتاتوری حاکم به وجود می آید و در پروسه و به تدریج سد دیکتاتوری شکاف برمی داره و شرایط برای سازمانیابی کارگران و در نهایت رسیدن به هدف اصلی که همانا نفی استثمار و رسیدن به یک جامعه سوسیالیستیه، فراهم می شه.

مایلم در آخر این صحبت به تجربه اخیر مبارزات انقلابی مردم ایران یعنی به تجربه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ هم اشاره بکنم. دیدیم که جوانان انقلابی ما از همان روز اول خیزش توده ای به قهر انقلابی متوسل شدند. چون تجربه به آنها نشون داده بود که با جمهوری اسلامی جز با زبان قهر انقلابی نمی شه سخن گفت. در جریان این خیزش شاهد شکل گیری هسته های مخفی ای هم بودیم که عمدتاً با کوکتل مولوتف ماشین سرکوب و نهادهای تبلیغاتی دیکتاتوری حاکم را آماج حملات خود شون قرار دادند. این واقعیت انعکاسی از یک ضرورت در جامعه ایرانیه. به همین دلیل هم باید مورد توجه جدی کارگران پیشرو و روشنفکران طبقه کارگر قرار بگیره. باید ضرورت ایجاد هسته های سیاسی نظامی رو تبلیغ کرد. در جریان مبارزه سیاسی نظامی با رژیم جمهوری اسلامی شرایط برای رشد وسیعتر این هسته ها آماده می شه و تنها با تداوم این مبارزه ست که سد دیکتاتوری شکاف برمی داره و شرایط سازمان یابی کارگران تسهیل و مهیا می شه.

در این میحث خوب خیلی حرفها میشه زد، مثالها میشه زد ولی خوب من این بحث را در این حد خلاصه کردم و امیدوارم که زیاد خسته تان نکرده باشم تا بشود در بخش پرسش و پاسخ هر چه بیشتر به این بحث پرداخت. برایتان شادی و پیروزی آرزو می کنم.

آزادی زنان در گرو آزادی جامعه است!

این پلتفرم Immediate Edge برای همه در دسترس است، اما کسانی که می خواهند رستوران ها، مغازه ها و کارخانه ها کار کنند اگر همه نروتمند شوند چه می شود؟"

که در پاسخ روزنامه نگار گفت: "شما نکته خوبی را گفتید، اما به عنوان یک پادشاه آینده باید نگران مردم باشید، نه فقط به خودتان و کسانی که در قدرت هستند فکر کنید."

صندوق بین المللی پول و یا بهتر آن است که بگویم سازمان مالی و غارتگر جهانی دلائل رونق اقتصادی هند را افزایش صادرات و رونق بازار سهام ذکر کرده اند. اما بازار سهام چه ارتباطی با زندگی میلیونها انسان فقیر و پابرنه و بی خانمان هند که محتاج نان شب میباشند میتواند داشته باشد؟

همه میدانیم هند بیشترین تولید ادویهجات و چای و برنج و دیگر محصولات کشاورزی و منسوجات را دارد که بار تولید و زحمت تهیه این محصولات همه بر دوش زحمتکشان و استثمار شدگان است که در ازای چندرغازی که با آن فقط میتوانند نان بخور و نمیری تهیه کنند این رنج را می کشند اما سود و درامدش همه به جیب سرمایه داران زالو صفت و سیری ناپذیر و دشمنان زحمتکشان سرازیر میشود

در کشوری که مردم از فقر چند لایه و چند نسلی رنج میبرند صحبت از رونق اقتصادی امری تمسخرآمیز است مردمی که نمیتوانند یک دمپایی برای خود تهیه کنند و پا برهنه هستند و یا اگر هم دمپایی بپا دارند دلیل نامرغوب بودن و غیر استاندارد بودن آن پاهایشان تغییر شکل داده و اصلا انگشتان پایشان به شکلی غیر معمول درآمده است.

مردمی که چند نسل آن مادر بزرگ و فرزند و نوه با هم در زیر یک طاق مغازه شب را به روز میاورند و بدون هیچ امیدی برخاسته و راهی خیابان میشوند و هر جا شب فرا رسید سر بر زمین میگذارند. مردمی که در خیابان به دنیا میآیند و در خیابان هم بزرگ شده و در همانجا هم میمیرند.

منظور از رشد اقتصادی این سازمان غارتگر



قطارهای بدون درب!

زاغه ها، در مراکز و در حاشیه شهر و در کنار راه آهن و خیابانهای این شهر روزگار میگذرانند و بنا به اعتراف روزنامه های دهلی در شهر مومبای حاشیه نشینی رشد ۶۰ درصدی دارد در حالیکه شهر نشینی رشدی معکوس بخود گرفته است.

رشد و رونق اقتصادی که غارتگران صندوق بین المللی پول مدعی آن هستند مرا یاد مصاحبه ولیعهد نروژ که دارای کارنامه سیاه و آلوده ای می باشد انداخت. به خصوص که در دو هفته گذشته برگی دیگر از رسوائی های این فرد رو شده است.

وی در یک مصاحبه مدعی شد که: **"ما یک پلتفرم سرمایه گذاری فوری آماده کرده ایم که به همه اعضای خانواده و مقامات دولتی این فرصت را داده است تا ثروت شخصی خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند."**

و روزنامه نگار از او پرسید: "جالب است، اما چرا مردم عادی نمی توانند به آن دسترسی داشته باشند، یا فقط برای صاحبان قدرت در نظر گرفته شده است؟ اگر راه حلی وجود دارد، چرا آن را با بقیه به اشتراک نمی گذارید؟"

پاسخ ولیعهد هاگون جالب است وی می گوید: "اگر من این اطلاعات را به اشتراک بگذارم، شهروندان نروژ به سادگی از جستجوی فرصت های رشد اقتصادی دست می کشند. اگر آنها نیز دریابند که مقامات چگونه آن را مدیریت می کنند، می تواند آسیب های جبران ناپذیری به اقتصاد کل کشور وارد کند."

و روزنامه نگار می پرسد: "چگونه یادگیری پول درآوردن می تواند به نروژ آسیب برساند؟" و ولیعهد هاگون پاسخ می دهد: "فقط فکرش را بکنید. اگر همه منوجه شوند که می توانند در عرض دو ماه میلیونر شوند، چرا مردم به کار خود ادامه دهند؟ بله،

فرصتی دست داد و برای چند روزی به سرزمین هند سفر کردم آنچه را که در همان لحظات اول مشاهده کردم فقر بود فقر بود و بازهم فقر.

بنا به آمار رسمی که هیچ زمانی نمیتواند به عنوان معیار حقیقت مورد اتکاء قرار گیرد یک چهارم مردم این کشور زیر خط فقر زندگی میکنند. این در حالی است که آمارهای مردمی یک سوم جمعیت را زیر خط فقر

نشان می دهد و البته این آمار مربوط به مردم زیر خط فقر است و نه کسانی که در زاغه ها زندگی میکنند و نه بی خانمانها و خیابان خوابها که این جمعیت غیر قابل شمارش در هیچ آماری اصلا به حساب نمی آید. **بر اساس آمارهای رسمی بیش از ۲۰۰ میلیون انسان زیر خط فقر در هند زندگی میکنند. ما همین آمار را مبنا قرار میدهیم.**

در گزارش های خبری و اقتصادی آمده است که اقتصاد کشور هند در حال رشد است و ارقام و اعداد منتشره در این رابطه هم این موضوع را تأیید میکنند. بر اساس آمارهای دولتی رشد اقتصادی هند در ماههای پایانی سال ۲۰۲۲، به ۴/۸ هشت درصد رسیده است رونق بازار سهام و افزایش صادرات را از جمله دلائل مهم این رونق اعلام کرده اند. بر اساس پیش بینی صندوق بین المللی پول تولید ناخالص داخلی هند در سال ۲۰۲۵ این کشور را به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل خواهد کرد. در حال حاضر هند در رتبه پنجم بزرگترین اقتصادهای جهان قرار دارد. نزدیک به یک سوم میلیاردهای جهان در هند ساکن هستند و بنا به خبرهای اقتصادی پسا کوید ۱۹، بیش از ۱۱۰ میلیارد از چین مهاجرت کردند که نیمی از آنها در هند اقامت گزیده اند.

بنا به همین آمارهای دولتی این رشد اقتصادی و رونقی که دولت حامی سرمایه داران غارتگر حاکم بر کشو هند مدعی آن هستند در کدام بخش اقتصادی هند اتفاق افتاده است که هیچ تاثیری در زندگی میلیونها انسان به فقر و فلاکت نشسته نداشته است؟ شهر مومبای که بعد از دهلی پرجمعیت ترین شهر کشور و مرکز مالی این کشور محسوب میشود و از قدیمیترین بنادر تجاری هند و جهان محسوب میشود نزدیک به ۳۰ میلیون جمعیت دارد که ۵۵ درصد این جمعیت در

دست این معابد هستند.

در ذکر ظلم و بیدادی که از غارتگران جهانی بر این مردم و کشورشان رفته است میشود سالها سخن گفت، من دو نمونه را مثال میزنم شاید بتواند نمونه ای از بیداد غارتگران بین المللی باشد که بر این مردم رفته است

کشور هند از دیر باز زیر سم استعمارگران اروپایی لگدکوب شده است. همه ما میدانیم که ادویه جات متعلق به آسیاست و اروپاییان اصلا ادویجات را نمیشناختند. دارچین را پرتغالی ها در قرن ۱۵ به اروپا میبرند زمانیکه برای اولین بار به هند رفته بودند چند سال بعد هم، اسپانیایی ها با دارچین آشنا شدند و بعد از این بود که اروپاییان دارچین را شناختند. اما هیچ زمان این گیاه در اروپا بعمل نیامد برای همین پرتغالیها وارد سیریلانکا امروزی که بخشی از هند بود شدند و مردم آنجا را برای برداشت دارچین برده کردند و از این طریق یک درآمد قابل توجه به دست آوردند. آنها دارچین را از سیریلانکا به اروپا میبردند و در آنجا به قیمت گران میفروختند. از همان زمان سیریلانکا به مرکز چای و دارچین تبدیل شد و هنوز هم بهترین چای و دارچین جهان از همین سیریلانکاست. همین دو محصول سیلان باعث شد که اروپایی ها سر این سرزمین سالها درگیر جنگ و دعوا شدند نه برای یک و دو سال بلکه برای قرنها بین اروپاییان جنگ بود بر سر ادویه جات تا صاحب محصولات این منطقه شوند (البته ضمن تصاحب دیگر ثروت های ملی مردم هندوستان). بعد از پرتغالیها هلندیها و سرانجام انگلیسی ها میآیند و همه را تصاحب میکنند و استعمارگران قبلی را بیرون میاندازند فرانسویها که این بساط را تماشاً میکردند با خود میگویند پس سهم ما چه میشود. این همه سرزمین توی آفریقا و کارائیب داریم ولی توی آسیا هیچی نداریم. دولت فرانسه یک گیاه شناس فرانسوی را مامور میکند که به صورت مخفیانه به سیلان برود و گیاه و بذر دارچین را بدزد و به سرزمینهای تحت استعمار فرانسه در کارائیب ببرد. این دزد هم کارش را درست انجام میدهد. بذر را به کارائیب میبرد و فرانسویها هم بوسیله برده های آفریقایی شروع میکنند به کشت دارچین. این کار فرانسه باعث میشود که انحصار دارچین بشکند و قیمتش پایین آید و بیشترین ضرر را به هلندیها وارد میکند. چون درآمد اصلی هلندیها از دارچین بوده است و اقتصاد هلند به این وسیله زمین میخورد و از آن بعد دیگر نمیتواند با قدرتهای دیگر اروپایی رقابت کند.

فرانسه باعث شد که یک ادویه لاکچری که فقط پولدارها در آن زمان میتوانستند بخرند همه گیر شود و در همه خانه ها وارد و یافت شود. در حال حاضر همچنان بهترین دارچین دنیا در سیریلانکا تولید میشود.

(ادامه دارد)

فبروز - ۱۰ می ۲۰۲۴

در دنیای بعد از مرگ یادآور شوند.

بنا به پیشنهاد یک راننده ریشکا به دیدن یک معبد نوساز رفتیم، معبدی که سه سال پیش توسط نازندرا مودی نخست وزیر کنونی هند افتتاح شده بود و همچنان کارگران مشغول کار بودند. این معبد که بیش از بیست سال وقت و با هزینه میلیاردی پیا شده بود با تراشیدن مرمراهای رنگی گل و بلبل و طاووس و فیل و امثالهم تزیین شده بود و همچنان کارگران در حال تراشیدن مرمراهای رنگی بودند. با سرمایه ای که در این مدت برای ساختن معبد هزینه کرده بودند میتوان برای هزاران بی سر پناه خانه ساخت و هزاران گرسنه را سیر کرد. این معبد در دشت پهناوری و خارج از شهر بنا شده بود و سازندگان آن موفق شده بودند مردم بسیاری را جذب یک شخصیت کذایی کنند و مردم گرسنه و پا برهنه را به ستایش این بنای جدید بکشانند. در محاصره یک چنین شرائطی است که این مردم نیازمند همچنان به دور این معابد میگردند و خواهان نجات خود از این فقر و بدبختی

بین المللی همان است که ولیعهد فاسد نروژ در مصاحبه با خبرنگار بدرستی و روشن بیان میکند و هیچ ارتباطی با منافع گرسنگان و پابرنه گان ندارد بلکه برای صاحبان قدرت و ثروت میباشد.

مردم زحمتکش هند دلیل سوءتغذیه و گرسنگی سلولی که از آن رنج میبرند دارای قدی کوتاه، حنه اپی ریز و رشد ناپافته هستند که این خود نشان از تاثیر سالیان متمادی فقر و گرسنگی و درد و رنجی است که استعمارگران و استثمارگران بر این مردم نجیب، آرام و صبور روا داشته اند. انسانهایی که اصلا خنده بر لبشان نمیینی. انسانهایی که در محاصره شبانه روزی تبلیغات و خرافه پرستی باورهای منسوخ شده سرمایه داری برای ادامه این وضعیت غیرانسانی و قرون وسطایی قرار دارند، به هر جا که چشم میاندازی یک دیوار و یا ستونی برپا میکنند تا به مردم عبودیت و پرستش این بت های جاهلیت را به منظور رستگاری آنهم

خاطره ی گرانقدر شهدای کارگر چریکهای فدایی خلق ایران گرامی باد!

کارگران کمونیست و انقلابیون دلیری که برای برچیدن سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته به آن در ایران، سلاح برگرفتند و در راه تحقق آرمان های والای کمونیستی خویش، قهرمانانه به خاک افتادند؛ رفا:









بهروز کتابی - ۶۰/۵/۲۸ - تیرباران - آمل	ایرج سپهری - ۵۲/۶/۲ - درگیری - تهران	جلیل انفرادی - ۴۹/۱۲/۲۶ - تیرباران تهران
فیروز جعفری - ۶۰/۱ - تیرباران - تهران	حسن نوروزی - ۵۲/۱۰/۲۰ - درگیری - لرستان	خلیل سلمانی نژاد - ۵۰/۲/۱۸ - انفجار کوکئل
حسن بشیری - ۶۱/۷/۲۰ - تیرباران - بندرعباس	یوسف زرکار - ۵۲/۱۱/۱۷ - درگیری - اصفهان	مولودف در خانه تیمی - تهران
بهمن (نام سازمانی) - ۶۱/۱۸/۱ - تیرباران - تنکابن	حبیب الله مومنی - ۵۹/۲/۱ - درگیری - تهران	اسکندر صادقی نژاد - ۵۰/۳/۲۳ - درگیری - تهران
حمید میرشکاری (پیشمرگه چریک)	پدافذ زارع کاریزی - ۵۹/۲/۶ - درگیری - تهران	اصغر عرب هریسی - ۵۰/۱۲/۲۳ - اعدام - تهران
فدایی خلق) - ۶۲/۳/۲۰ - درگیری - کردستان	فتحعلی پناهیان - ۵۹/۱۱/۳ - درگیری - تهران	مناف فلکی - ۵۰/۱۲/۲۲ - اعدام - تهران
فولادخانی - ۶۲/۵/۳ - تیرباران - بندرعباس	قربانعلی زرکار - ۵۵/۲/۲۵ - درگیری - تهران	جعفر اردبیل چی - ۵۰/۱۲/۲۲ - اعدام - تهران
احمد سرخونی - ۶۲/۷/۱ - تیرباران - بندرعباس	محمد کاسه چی - ۵۵/۱۱/۱ - درگیری - تهران	محمد تقی زاده - ۵۰/۱۲/۲۲ - اعدام - تهران
سیف الرحمن - ۶۲/۷/۱ - تیرباران - بندرعباس	نوروز قاسمی - ۶۰/۲/۸ - تیرباران - تبریز	احمد زبیرم - ۵۱/۵/۲۸ - درگیری - تهران

گرامی باد خاطره تمامی کارگران چریک فدایی خلق که در

نبرد با رژیمهای وابسته شاه و جمهوری اسلامی جان باختند!

نگاهی به اوضاع کنونی ایران و سیاست چپ و ویژگی های آن!



نمیبینند که حالا بردارند دم درب یکی را بگذارند که به مشتری بگوید حجاب را رعایت کن تا حق داشته باشی بیایی غذا بخوری. پس به همین طریق هم این سرکوب، فقط سرکوب زنان نیست سرکوب کل جامعه است. از ابتدا هم بوده ولی خوب یک واقعیتی هم هست در خیزش ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی چون وقتی که ژینا (مهسا) امینی توسط گشت ارشاد دستگیر شد و در بازداشتگاه گشت ارشاد کشته شد مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به بیمارستان کسری برده شد و کشته شد از آن موقع یک خیزشی در میان مردم ما رخ داد که بیش از ۱۶۰ شهر را درگیر کرد و جمهوری اسلامی بخاطر این خیزش عقب نشینی کرد و گشت ارشاد را از خیابانها جمع کرد. حالا که امواج آن خیزش یک حدی فروکش کرده این جمهوری اسلامی و سرمداران جمهوری اسلامی شرایط را از نظر خودشان مساعد دیدند که حمله کنند به زنان و به همین دلیل هم طرح نور را راه انداختند و وحشیگریهای خیلی شدیدی در خیابانها انجام میدهند و میخواهند در واقع مثل همان چیزهایی که در سال ۶۰ انجام دادند، اگر سال ۶۰ یادتان باشد تیغ میکشیدند به صورت زنان، پونس میزدند به پیشانی زنان، با دستمالهای که در آنها خرده شیشه بود آرایش زنان را بهم میزدند همان کارها را دارند الان با وحشیگری تمام انجام میدهند. این بواقع وسیله ایی ست برای گسترش خفقان در سطح جامعه و سرکوب کل جامعه و به همین دلیل هم باید در مقابلش ایستاد و کل جامعه را باید سازمان داد برای مقابله با این یورش وحشیانه و اینکه باید توجه کرد که بحث سر حجاب نیست بحث سر سرکوب مردمی است که اساسا هر لحظه آنقدر در شرایط معیشتی بدی قرار گرفته اند که خود جامعه شناسان این رژیم، خود مسئولین این رژیم مدعی هستند که شورش گرسنگان هر لحظه ممکن است شکل بگیرد.

مدنی را سامان میدهند در حال اجراست در عین حال سیاست اعدام و کشتار بر علیه فعالان اجتماعی و فعالان سیاسی مدام به رخ جامعه کشیده میشود حکومت در یک بن بست واقعی است دستی خالی داره در اجرای هر گونه پاسخ دهی به هر گونه اعتراضات و مطالبات اجتماعی و دستی و تنی با زنجیر و قمه و سلاح و سرنیزه علیه مردم، ارزیابی شما از موقعیت کنونی چه هست؟ چگونه میبینید این نبرد را؟

پاسخ : قبل از هر چیز بگذارید یک چیزی را رویش تاکید کنم اینکه جمهوری اسلامی از بیست و پنج فروردین ماه یک یورش را به زنان آغاز کرده تحت نام طرح نور که در واقع طرح سیاهی و تباهی که بر زنان دارد تحمیل میشود این یک واقعیتی ولی سرکوب زنان در جمهوری اسلامی از همان سال ۵۷ که اینها بقدرت رسیدن شروع شده و همچنان هم ادامه دارد فقط فرق مسئله اینه که رژیم هر وقت می خواهد در کل جامعه رعب و وحشت ایجاد کند خفقان درش اعمال بکنه یعنی خفقان را تشدید بکنه بقول جوانان این دوره گیر میدهد به زنان و تحت پوشش حجاب اسلامی و قوانین اسلامی زنان را تحت فشار میگذازد، خوب همین هم یک حدی البته به این وسیله کل جامعه را تحت فشار می گذاره و سرکوب میکند و برای همین هم هست که ما همیشه تاکید کرده ایم که سرکوب زنان، سرکوب جامعه است. خوب اگر هم دقت بکنیم میبینیم که در این طرح فشار به زنان فقط این نیست که یک زنی را بخاطر اینکه روسری اش را سرش نکرده در خیابان بگیرند بلکه ما خیلی از رستوران ها و موسسات مختلف و نهادهای مختلف حتی مراکز تفریحی را هم رژیم پلمب میکند و در آنها را میندند و روش هم مینویسد بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی؛ در حالی که خیلی از این رستورانها اصلا خودشان را در این موقعیت

توضیح پیام فدائی: آنچه که در زیر می آید متن مصاحبه تلویزیون برابری با رفیق فریبرز سنجرى در مورد اوضاع کنونی و سیاست چپ در جامعه می باشد که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ صورت گرفت. پیام فدایی متن این مصاحبه را با برخی ویرایشهای جزئی آماده نموده و به این وسیله در اختیار علاقه مندان قرار می دهد. فایل صوتی این مصاحبه نیز از طریق لینکهای زیر قابل دسترسی است:

<https://tvbarabari.net/?p=15497>

<https://www.youtube.com/watch?v=UIXmwUz8L5E>

مجری برنامه (علی دماوندی): با سلام ها و درودهای گرم به شما بینندگان عزیز تلویزیون برابری و برنامه گفتگو . با رفیق فریبرز سنجرى هستیم و نگاهی میکنیم به چپ و راست در عرصه نبرد سیاسی و اجتماعی در ایران و تحولات کنونی در ایران . درود بر شما فریبرز عزیزم.

فریبرز سنجرى: با درود به همه بینندگان این برنامه و با تشکر از شما که این گفتگو را امکان پذیر کردید و این دعوت را انجام دادید.

مجری برنامه : جنگ وحشیانه و بسیار گسترده ای علیه زنان حکومت اسلامی از آغاز سال نو آغاز کرده؛ روزی نیست که زنان در خیابانها توسط نیروهای امنیتی و پلیسی و نظامی و حکومتی به زنجیر کشیده نشوند به واگونها و در واقع ماشینهای حکومتی کشیده میشوند و با ضرب و شتم و توهین و مجازاتهای زنان در همه جا ادامه دارد بیمارستانها و بسیاری از خدمات اجتماعی برای زنانی که نافرمانی

میدهند علیه این وضع حتی خود نماینده مجلس هم چند وقت پیش آمد گفت بابا ما سی میلیارد دلار در سوریه هزینه کردیم چی گیرمان آمده در حالیکه سوریه حتی از لحاظ اقتصادی هم با اینکه با ترکیه که تجاوز کرده حمله کرده به سوریه، سرمایه داران ترکیه بخش خیلی بزرگی از بازار سوریه را دارند در حالیکه این جمهوری اسلامی که سی میلیارد دلار هم رفته هزینه کرده اونجا و جنگیده برای حفظ دیکتاتوری بنشار اسد این مزیت را هم ندارد در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی هیچ کمکی به اقتصاد ایران است. علت اتخاذ این سیاست هم این است که این رژیم در گوادلوپ توسط امپریالیستها روی کار آمده رژیمی است سر تا پا وابسته به امپریالیسم و خط آنها را پیش میبرد و این جنگ ها و به قول معروف گروههای نیابتی در یمن و سوریه و فلان راه میاندازد اینها خطی است که اون انحصارات امپریالیستی که میخواهند کالاهایشان را در این منطقه بخصوص خیرشان همیشه همراه جمهوری اسلامی بوده که چیزی به نام بنیادگرایی اسلامی از طریق جمهوری اسلامی شکل دادند و حالا هم دارند هر روز یک جایی در یک جایی نانش را میخورند در ضمن دستشان را هم میخورند و میگویند ما خودمان هم با اینها مخالف هستیم و هر جایی که بگویند ما اینها را تحریم کردیم این جمهوری اسلامی هر کاری میکند آنها میایند مثلا سه نفر از پاسداران را میبرند جزء لیست تحریم ها قرار میدهند.

مجری برنامه : حب این سیاست تحریم ها و در واقع درگیرهای امپریالیستی، بلوک هایی که هست بطور واقعی جریان دارد این نوعی از یعنی در واقع حداقل جمهوری اسلامی با هر تعریفی که ارزش داشته باشیم در واقعیت یک حکومت ضد مردمی بوده که علیه هر گونه ترقی خواهی و واقعا عنصر آزادی خواهی نه فقط در ایران بلکه در کل منطقه ما بوده و عاملی در تشدید در واقع حضور امپریالیستی توی منطقه ما و تشدید مسابقه تسلیحاتی، این بطور واقعی اما توی این عرصه ای که الان ما هستیم شما از یک جهت میگویند با یک جنبش زنان و نافرمانی زنان روبرو هستیم با یک جنبش گرسنگان روبرو هستیم که علیه این حکومت برخاسته و حکومتی که دست خالی دارد دستش خالی است در واقع در برآورده کردن هر گونه خواست اجتماعی کوچکترین کوچکتین رفرمها، در موقعیتی که هست بقول شما غارت های بزرگ هم در حال صورت گرفتن است. غارت هایی که در مجموعه این

ما پرستارهایی داریم که از شدت کار، در حین کار جانیشان را از دست میدهند ما یک اصطلاحی داریم "کاروشی"، این کاروشی اصطلاح ژاپنی است یعنی کسی که از شدت کار اینقدر کارش شدیده که به قلبش فشار می آورد و قلبش از حرکت باز می مانه و جان می بازه. ما تعداد زیادی پرستار الان در ایران داریم که با به همین طریق کاروشی جان میبازند یا از فشار کار خودکشی میکنند بعد هم در شرائطی که کارفرماهای آنها خیلی روشن یک شیفت کاری که به آنها میدهند میگویند یک شیفت هم باید اضافه کاری کنید ولی با یک حقوق مثلا ساعتی ده هزار تومان که هیچی هم نیست یعنی چه؟ جامعه را در یک چنین شرائطی قرار داده جمهوری اسلامی، از سوی دیگر هم چپاول و غارت که جزء ذاتی سلطه جمهوری اسلامی است در جلوی چشم مردم انجام میشود.

ببینید ما پرستارهایی داریم که از شدت کار، در حین کار جانیشان را از دست میدهند ما یک اصطلاحی داریم "کاروشی"، این کاروشی اصطلاح ژاپنی است یعنی کسی که از شدت کار اینقدر کارش شدیده که به قلبش فشار می آورد و قلبش از حرکت باز می مانه و جان می بازه. ما تعداد زیادی پرستار الان در ایران داریم که با به همین طریق کاروشی جان میبازند یا از فشار کار خودکشی میکنند بعد هم در شرائطی که کارفرماهای آنها خیلی روشن یک شیفت کاری که به آنها میدهند میگویند یک شیفت هم باید اضافه کاری کنید ولی با یک حقوق مثلا ساعتی ده هزار تومان که هیچی هم نیست یعنی چه؟ جامعه را در یک چنین شرائطی قرار داده جمهوری اسلامی، از سوی دیگر هم چپاول و غارت که جزء ذاتی سلطه جمهوری اسلامی است در جلوی چشم مردم انجام میشود و آفازاده ها و مستولین دولتی و ثروتمندان و سرمایه دارها با ماشین های میلیاردی در خیابانها ویراژ میدهند و این شکاف طبقاتی را با بی شرمی تمام به نمایش میگذارند این کارگر این زحمتکش این ستمدیده میبیند که شانزده ساعت کار چهارده ساعت میکند ولی نمیتواند شکم خودش و خانواده اش را سیر کند در حالیکه اون یکی با یک دزدی بخش بزرگی از ثروت ها را به جیب میزند و برای همین هم هست که خیلی جاها ما میبینیم که کارگران شعار میدهند که یک اختلاس کم بشه وضع ما درست میشه، آن چیزی که باید صرف حقوق مردم شود و صرف رفاه مردم بشود میرود در جیب یک سری دزد، از طرفی دیگر این جمهوری اسلامی که اساسا سیاستش هم از آغاز این بوده که سرکوب داخلی را توام با آتش افروزی خارجی با هم پیش می برده ما میبینیم که میلیاردها دلار از ثروت این کشور را در یمن، سوریه و عراق و افغانستان و لبنان غیره خرج دارد میکند. خیلی از مردم علیه این شعار

مجری برنامه : به نکته مهمی اشاره کردید به این جنبش گرسنگان ، ما شاهدیم که مدتهاست جنبش بازنشستگان خیابانهای شهرها را در یکشنبه ها و دوشنبه ها و سه شنبه ها در واقع درمی نوردد و صداهای فریاد در واقع سفره های خالی و یا جان هانی را میبینیم که در واقع در زیر چرخ این استعمار شدید و فلاکت گسترده درحال واقعا له شدن هستند. جامعه برخاسته است از نظر جنبش اجتماعی و مطالباتی که هست جنبش مطالباتی در اشکال متفاوتی خودش را سازمان میدهد. در سالی که گذشت بیش از ۲۶۰۰ حرکت کارگری توی اکثر در واقع بسیاری از کارگاههای بزرگ مثل پتروشیمی ها و فولاد و ذوب آهن انجام شد و در واقع جامعه تا حد زیادی زن زندگی آزادی تا حد زیادی دارد خودش را در حال سازماندهی است بگونه ای داره جامعه خودش رو در مقابل حکومتی که همه حقوق را به بقول شما از روز اول حیانتش تا کنون سلب کرده داره خودش رو نشان می دهد این جنبش را چگونه میبینید؟ وقتی از جنبش گرسنگان حرف میزنید با چه مطالباتی با چه در واقع تصویری خودش را در مقابل جامعه نشان میدهد این تصویر چگونه است؟

پاسخ : ببینید واقعیت اینه که جمهوری اسلامی شرائطی را بعنوان نماینده طبقه حاکمه یعنی سرمایه داران حاکم بر ایران ، شرائطی را در ایران ایجاد کرده که اکثریت مردم ما در زیر خط فقر دارند زندگی میکنند این را آمارهای دولتی هم کنتمان نمیکنند مثلا ببینید در شرائطی که خط فقر را حالا یا بیست و پنج میلیون یا سی میلیون، در آمار و تخمین های مختلف با معیارهای مختلف تعیین کرده اند حقوق یک کارگر هشت میلیون و دویست هزار تومان است که با یکسری حواشی مثل حق اولاد، حق مسکن حق بن غذا و از این نمونه ها میشود ده میلیون، وقتی ما نگاه میکنیم مقایسه میکنیم با آن سی میلیون خط فقر، ما میبینیم که اکثریت این جامعه که کارگران باشند چند برابر زیر خط فقر هستند و تازه ما باید توجه داشته باشیم که این پولی هم که به اسم حداقل دستمزد به کارگرا تعلق میگیرد به کارگرانی تعلق میگیرد که قانون کار شامل حالشون میشود و گرنه در همین دوره خاتمی بود- همان سید خندان بود- که اکثر کارگاههای زیر پنج نفر و زیر ده نفر را از شمول قانون کار خارج کردند یعنی یک چیزی حدود پنجاه درصد طبقه کارگر ایران را از شمول قانون کار خارج کردند یعنی حقوق آنها که بخصوص زنان کارگر هم بخش بزرگی از آنان را در این کارگاههای کوچک تشکیل میدهند که نان آور خانواده هم هستند حقوق آنها حتی به این حد هم نمیرسد من یک مثال برایتان بزنم

سازمانهای دیگری هستند که طرفدار مداخله امپریالیستی هستند برای تغییر رژیم در ایران و جریان بقول معروف دیگری که میخواهد با انکاء بر انقلاب مردم جنبش اجتماعی مردم و مطالبات اجتماعی نهادهای خودساخته مردم بتواند بقدرت برسد این حکومت را سرنگون کند می خواستیم بگویم در این نبرد ، نبرد کنونی چپ کجاست؟ چپ و راست را چگونه می شود تعریف کرد؟

پاسخ: ببینید در طیف گسترده مخالفین جمهوری اسلامی ما میتوانیم یک دسته بندی بکنیم که شما هم به آن اشاره کردید آنهایی که میخواهند با انقلاب مردم با قدرت مردم رژیم را به عنوان عامل اصلی نکبت و فلاکت کنونی از صحنه خارج کنند یعنی نابودش کنند و دسته دیگری که میخواهند با کمک خارجی این کار را بکنند

همه آنهایی که میخواهند با کمک خارجی و با کمک امپریالیستها -ممکن است برخی از کلمه امپریالیسم هم خوششان نیاید- حالا بگویم قدرتهای جهانی میخواهند جمهوری اسلامی برود و اینها بقدرت برسند نیروهای ضد مردمی و ارتجاعی هستند نمونه بارزش همین سلطنت طلبها هستند که نقش ضد انقلابی و واقعا تخریب گرایانه شون را ما در همین جنبش ۱۴۰۱ به عینه دیدیم. در لندن در تظاهرات در میدان "ترافلگار اسکوئر" در پشت بلندگو فریاد میزدند به چپ ها که ما خودمون میکشیمتان! یا در جاهای مختلف درگیری ایجاد میکردند و میکنند هم هنوز و بعد هم که ان شعار "مرگ بر سه مفسد ملا چپی مجاهد" را راه انداختند و از ارتجاع سرخ و سیاه صحبت میکنند. اینها نیروهایی هستند که هیچ سودی به نفع مردم ما ندارند جز ضرر؛ اینها تنیده هم هستند با وزارت اطلاعات و نیروهای ارتجاعی داخلی و میبینیم هم که هر دقیقه یکی را از داخل یا خود وزارت اطلاعات میفرستد و یا خودش بحرانی می شود میاد داخل اینها. جایگاهش در همین طیف روشنه.

یک طیف دیگر هم هستند که میخواهند از طریق انقلاب و از طریق مبارزات مردمی به نتیجه برسند و البته در میان اینها پراکنندگی خیلی شدید است و اختلافات فکری شان هم شدید است . به خصوص که یک چیز را ما باید بفهمیم در جمهوری اسلامی به رغم همه این مبارزاتی که وجود دارد و این مبارزات واقعی است اما امکان شکل دادن به یک تشکل سیاسی و تشکلهای صنفی و اقتصادی طبقه کارگر در مسیر این مبارزات جاری وجود ندارد چون این دیکتاتوری اصلا تعارف ندارد هر صدایی را از بین میبرد همین چند روز پیش یک نفر بلوچ را فکر کنم بیرجند بود اعدامش که کردند می خواستند اعدام کنند قبل از اعدام رفتن با او تماس گرفتند و به او گفتند ما به شرطی اعدامت نمیکیم که بروی خارج یک چند نفری را

ما پرستارهایی داریم که از شدت کار، در حین کار جانشان را از دست میدهند ما یک اصطلاحی داریم "کاروشی"، این کاروشی اصطلاح ژاپنی است یعنی کسی که از شدت کار اینقدر کارش شدیده که به قلبش فشار می آورد و قلبش از حرکت باز می ماند و جان می بازه. ما تعداد زیادی پرستار الان در ایران داریم که با همین طریق کاروشی جان میبازند یا از فشار کار خودکشی میکنند بعد هم در شرائطی که کارفرماهای آنها خیلی روشن یک شیفت کاری که به آنها میدهند میگویند یک شیفت هم باید اضافه کاری کنید ولی با یک حقوق مثلا ساعتی ده هزار تومان که هیچی هم نیست یعنی چه ؟ جامعه را در یک چنین شرائطی قرار داده جمهوری اسلامی، از سوی دیگر هم چپاول و غارت که جزء ذاتی سلطه جمهوری اسلامی است در جلوی چشم مردم انجام میشود.

ادامه پاسخ: این کاملا درست است چون چنین خواستی هم ندارند جمهوری اسلامی برای این نیامده که که بقول معروف حکومت مستضعفان باشد و پول نفت را ببرد سر سفره مردم جمهوری اسلامی برای این آمده که انقلاب سال ۵۷ را با هر خصوصیتی که حالا داشت سرکوب کند و سلطه سرمایه دارها را تحکیم بکند. موقعیت کشورهای امپریالیستی در ایران را هم حفظ بکند و سیاست آنها را در منطقه گسترش دهد . اساسا بنیادگرایی اسلامی که جمهوری اسلامی یکی از جلوه های مشخص اش هست این (ریسمانش) دست امریکاست بخصوص که از آستین این رژیم میاید بیرون و کارهایش را پیش می برد ما باید روی این تاکید کنیم که برخی دچار این اشتباه نشوند که فکر کنند این آمریکا دلسوز مردم ما شده اتفاقا این جنایاتی که جمهوری اسلامی در چهل و پنج سال گذشته علیه مردم ما اعمال کرده همان چیزی است که آنها میخواستند و از آن دفاع میکنند و خواهانش هستند و دروغ هم میگویند. این رژیم یک وضعیتی دارد که پرخاشگری ظاهری با غرب را در حال تنیدگی اقتصادی سیاسی با اون توامان پیش میبرد . در نتیجه دست...

مجری برنامه: به هر حال این موضوع زیاد توضیح نمیدهد درگیریهایی که این به واقع به اصطلاح این جریان اسلام گرایی با جریان در واقع امپریالیستی امریکایی دارد گر چه این درگیرها و به قول معروف مقابله ها و منازعاتی که دارد دقیقا در یک موضع ارتجاعی تری از موضعی که رژیم شاه هم داشت رژیم شاه میگفت یک زاندارم مستقیم منطقه است که بعدا میتوانیم به یک بحث دیگری بگذاریم ولی امروز در این عرصه ای که الان هست ما میبینیم که شاه الهی ها هستند ، گروه سلطنت طلب ها و جریانات هستند

حکومتی که خودش را صاحب کل کشور میداند خامنه ای و پینش و دستگاه روحانیت که خودش اصلا صاحب مملکت و آدمهایش هم میدانند و برایش مهم نیست در موقعیت بسیار بسیار در واقع منزلی قرار گرفته، در موقعیتی قرار گرفته که خیلی ها مثل خود همین جنبش زن زندگی آزادی انتظار سرنگونی قریب الوقوع اش دارند الترناتیوهای در حال شکل گیرند، شکل گرفتن. بحث بر سر چپ و راست و عرصه نبرد سیاسی و اجتماعی در ایران است این عرصه را شما چگونه میبینید؟ چپ کجاست در این عرصه نبردی که علیه حکومت اسلامی، علیه سرمایه داری و علیه سیاست در واقع امپریالیستی و استعماری در این منطقه ما جریان دارد چپ کجاست چگونه تعریف میکنیم این چپ را امروز؟

پاسخ: اجازه بدهید قبل از اینکه به این بپردازم به قسمت اول صحبت شما بپردازم اینکه می گوئید رژیم دستش خالی است من اتفاقا میگویم رژیم دستش خیلی پر است،

مجری برنامه: در سرکوب بله.

پاسخ: ببینید. این رژیم در دوره احمدی نژاد چیزی حدود هفتصد میلیارد دلار پول نفت وارد این مملکت شده آن دوره ای که یک دفعه قیمت نفت رفت بالا ، خود همین روحانی که حالا صلاحیتش را رد کردن برای مجلس خبرگان صداس درآمده که هشتصد میلیارد دلار پولی که وارد این مملکت شد چی شد حالا خودش هم جزء دزدهاست ولی میاد عدد میدهد یعنی الان یک وضعیتی شده که اون آخوند دوهزاری که یک باغی را به اسم خودش میکند همه می آیند رو میکنند که این باغ رو، او میگه من نبودم یکی دیگه رفته امضاء منو جعل کرده و بعد معلوم میشود و خود حوزه علمیه قم اعلام میکند که نه خیر خودتان در آنجا در ثبت احوال حضور داشتید و امضاء کردید یعنی دست همدیگر را این دزدها دارند رو میکنند در یک چنین شرائطی پس بودجه دارند اینکه مثلا همین امروز این رئیسی پیچیده به طلافروشا و میخواهد درآمدهایشان را اعلام کنند تا از آنها پنجاه درصد مالیاتی را که زیاد کرده بگیرد و اونها اعتصاب کردن الان این نشان دهنده این است که بابا پول هست ولی بخش بزرگی از این پول صرف دزدی آفازاده ها میشود منتقل میشود به کشورهای دیگه مثل کانادا و هر کسی...

مجری برنامه: من به لحاظ این میگویم اینها دستشان خالی است که برنامه ای برای پاسخکویی به مطالبات اجتماعی و درخواستهای مردمی ندارند واقعیتش این است.

پاسخ : اینکه خودش خیلی مثبت است که حداقل از قیام توده ای که یک عده ای قبول میکنند یک عده ای در همین برنامه می بینیم که میگویند قیام مسلحانه توده ای یعنی خشونت و قبول ندارند.

مجری برنامه : واقعیت این است خشونت ، خشونت دولتی است خشونت حکومتی است که یک حکومتی میخواهد خودش را سوار کند ما روزانه شاهدیم به مثابه خشونت فیزیکی و علنی که جریان دارد و هم خشونت پنهانی که در واقع جامعه را در آن زنجیر میکند به این لحاظ هم هست که در واقع خود مقابله با این خشونت هم انواع و اشکال جنبه های مختلف دارد یک

دفعه میبینیم شما بدرستی گفتید که وقتی خیزش انقلابی زن زندگی آزادی شروع شد مردم در ۱۶۰ شهر آمدند نیروهای گشت ارشاد رفتند خانه ، و عقب نشینی کردند مردم و زنان پوشش آزاد را انتخاب کردند شعار هاش را دادند تولید هنری انقلابی فراوانی شد جامعه خودش با یک انقلاب فرهنگی بزرگی یکباره علیرغم اینکه در واقع حکومت را سرنگون نکردند اما در تفکر اجتماعی یک انقلاب فرهنگی اتفاق افتاد و بی سبب نیست که کل جامعه هنوز برافروخته است کل جامعه از حکومت اسلامی ، حکومت مذهبی ، حکومت فردی، حکومت موروثی در واقع جلو زده و آن را به عقب به تاریخ به کورستانهای تاریخ دارد میسپارد بلحاظ تفکری ، به همین دلیل هم هست که می گوئیم چپ کجای جامعه قرار گرفته است چپ با چه مطالباتی نه به مثابه چه شیوه مبارزاتی را عمل می کند، بلکه چه مطالباتی در مقابل جامعه قرار میدهد .پاسخ :** اجازه دهید من بیایم در صحبت تان و با محدودیت زمانی هم که داریم.**

مجری برنامه: بله مناسبانه ۵ دقیقه وقت داریم

ادامه پاسخ: من فقط این را باید به شما بگویم که ببینید حالا این بحث را می گذارم و می روم روی این چپی که شما میگویند. کسی نمیگوید چپ و راست با شکل مبارزه تعیین میشود. درسته اساسا چپ وقتی میخواهید تعیین بکنید چی هست باید بروی توی شرایط اجتماعی آن جامعه، ببینی که چه نظام اقتصادی وجود دارد چه طبقاتی وجود دارد آن نیروهایی که از وضع موجود دفاع میکنند بطور طبیعی راست های آن جامعه هستند و آن نیروهایی که خواهان تغییر وضعیت موجود و خواهان این هستند که ستمدیدگان، کارگران به قدرت برسند و مطالبات آنها متحقق شود چپ جامعه را تشکیل میدهند این یک چیز کلی است البته بعد ما می توانیم در سازمان مشخص حتی ...

را درست کرده بود جنبش عمومی را توانسته بود سامان دهد باخت یعنی ما انقلابی شکل گرفت انقلاب علیرغم فداکارها قربانیانش همون کسانی بودند که باز آن خط رادیکال انقلابی را چیز می کردند این نشان میدهد که تا حد زیادی پاسخگو نیست یعنی پاسخگویی این مبارزه اجتماعی سازماندهی جنبش اجتماعی نیست و این شما که میگویند میخواهید مردم خودشان سرنوشتشان خودشان را بدست بگیرند مردم در تمرین مبارزه اجتماعی این کار را میکنند ولی جدا کردنش با جنبش روشنفکران انقلابی چگونه است؟

پاسخ: ببینید اتفاقا مثالی که تایید میکند همین خط را همان مبارزات چریکهای فدایی خلق و اصولا جنبش مسلحانه در دهه پنجاه است تا زمان انقلاب، ولی شما از نتیجه انقلاب این را استنباط میکنید یا این را اشاعه میدهید که پس آنها نتیجه نداد کارشان در حالیکه شما اگر یک لحظه نگاه کنید به شرایط بعد از قیام بیست و دو بهمن چه سازمانی در وسعت توده ای در صحنه شکل گرفت آیا این سازمان با نافرمانی مدنی بوجود آمده بود یا اینکه بخاطر هشت سال مبارزه مسلحانه اش بود که با این استقبال وسیع مردمی مواجه شد؟ این را چرا فراموش می کنید؟ اگر اتفاقا تجربه نشان داد آن که در آن دوره دیکتاتوری جنگید به رغم همه ضربات که خورد به رغم ضربات بزرگ سال پنجاه و پنج و بعد به رغم ضربه ای که از درون خورد که حالا من نمیخواهم وقت این جلسه را و این گفتگو را با این صحبت بگیرم اتفاقا همین جنبش مسلحانه بود. یک فاکت دیگر، سازمان مجاهدین وقتی که ما از زندان امیدیم بیرون سازمان مجاهدین در جامعه حضور تشکیلاتی نداشت ولی ببینید بار اجتماعی داشت در عرض یک مدت کوتاهی ، یک تشکیلات کار به خطوط آن ندارم اشتباه نشود ولی همان بار اجتماعی را در اثر آن مبارزات دوره شاه و شرکتش در جنبش مسلحانه بدست آورده بود این به هر حال به نظر من آن چیزی که همه این جویبارهای اعتراض را بهم وصل میکند اتفاقا پایندی به شکل اصلی مبارزه در شرایط دیکتاتوری در ایران. شکل اصلی مبارزه در شرایط دیکتاتوری در ایران و با این رژیم که جز حرف زور با هیچ سخن و با هیچ چیز دیگری حرف نمیزند فقط زور میگوید و فقط میکشد ، فقط اعدام میکند با زندان و شکنجه و اعدام که خودش را نگه داشته است جز قهر انقلابی اصلا راه دیگری وجود ندارد. اتفاقا ...

مجری برنامه: قهر انقلابی در قیام توده ای مردم در واقع اجرا خواهد شد یعنی در عرصه اجتماعی و عمومی که می خواهد جنبش همه مردم مسلح می شوند این مثل قیامی که در اکبر...

بکشی! یعنی این وزارت اطلاعات است صداک این شخص در فضای مجازی هم هست. وزارت اطلاعات خطش این است. طرف را از اتریش اجازه دادن موافقت کردن آمده بخاطر فضای مجازی فعالیت در فضای مجازی گرفتن و حکم اعدام دادند میخواهند اعدامش کنند کسی بنام محمد محرابی . یا یک خواننده بلوچ چند روز پیش این رفته بود خارج مهاجرت کرده بود بعد بخاطر مسائل خانوادگی گفته بودن بشرطی که خوانندگی نکنی اجازه داری برگردی برگشت رفتن با چاقو زدن توی شکمش و کشتنش در بلوچستان. این وزارت اطلاعات است و این رژیم و این سرکوبگری که اینها پیش میبرند اجازه نمی دهد که در بستر این مبارزات تشکل ایجاد کرد و آن را دوام بخشید. اینجاست که ما بعنوان چریکهای فدایی خلق ایران تاکید داریم که باید روشنفکران انقلابی و کارگران پیشرو هسته های سیاسی نظامی تشکیل بدهند و با اعمال قهر انقلابی با دشمنی که جز زبان زور نمیشناسد مواجه بشوند در بستر این مبارزات است که همه این نهرها و جویبارهای اعتراضی این امکان را پیدا میکنند که باهم پیوند پیدا بکنند و حتی گسترش پیدا کنند همین نافرمانی های مدنی نه اینکه بد باشد خیلی هم خوبه باید هم وجود داشته باشد کسی هم نمیتواند جلویش را بگیرد که وجود داشته باشد ولی اگر کسی دلش را به این خوش کرده که هر چه ما هزینه های مبارزه را بیاوریم پایین بار توده ای آن را میبریم بالا و من با اون خشونت و این چیزها کاری ندارم حُب نمی فهمد که این خشونت را اون (یعنی دشمن) دارد بر تو تحمیل میکند....

مجری برنامه : سوال پیش میاد وقتی شما میگویند که هزینه های تشکل یابی بسیار بالاست خواننده بلوچی را میگیرند بخاطر خواندن میکشند یا فلان عزیزی که وبلاگ نویس است حتی ستار بهشتی را میگیرند بخاطر یک وبلاگ میکشند وقتی هزینه ها اینگونه است و ما میبینیم که هزینه های بسیار سنگینی است چه جوری بقول شما اگر ایجاد یک تشکل سراسری، تشکل های اجتماعی، تا حدی زیادی ناممکن است چگونه ممکن است تشکلهای نظامی مخفی را در واقع سامان داد آن هم در ابعادی که بتواند تاثیرات اجتماعی بزرگ داشته باشد. ما میبینیم که دوره مثلا چریکهای فدایی خلق ایران که در دهه پنجاه فداکارهای بزرگی کردند دهها نفر نزدیک به پانصد نفر از عزیزان ما، بهترین فرزندان این آب و خاک جان دادند در زندان های رژیم یا در خانه های تیمی ، اما مناسبانه در این عرصه نبرد موقعی که انقلاب شد انقلاب سال ۵۷ چریکهای فدایی علیرغم آن همه فداکاری ها نبرد را به نهادی که نهادهای مختلف اجتماعی

گزارش برگزاری روز جهانی کارگر در هلند



امسال در اول ماه مه، روز جهانی کارگر (روز همبستگی طبقاتی و جهانی کارگران) به دعوت بزرگترین اتحادیه کارگری هلند به نام FNV هزاران تن از کارگران، مردم آگاه، فعالین سیاسی و اتحادیه‌ای، در محلی در مرکز شهر آمستردام به اسم Muzeumplein گرد هم آمدند تا به روال سال‌های اخیر با نمایش وحدت و همبستگی مبارزاتی، روز جهانی خود را جشن بگیرند. برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، در هلند، روز جهانی کارگر یک تعطیل رسمی نیست و این خواست، یکی از مطالبات کارگران هلند می‌باشد.

با تجمع تظاهر کنندگان نخست و در محل گردهمایی سخنرانی‌هایی در مورد وضعیت کارگران و صنف‌های مختلف هلند و مطالبات آنها ایراد شد. بعد از سخنرانی‌ها جمعیت چشمگیری به سمت محل نهبی گردهمایی که در پارکی در جنوب آمستردام به نام Martin Luther Kingpark می‌باشد، حرکت کردند.

در مسیر طولانی بین این دو محل جمعیت در خیابان‌های شهر راهپیمایی کرده و تارسیدن به پارک، ضمن سردادن شعارهای مختلف علیه نظام سرمایه‌داری، بر خواسته‌های صنفی کارگران هلند دست گذاردند. در طول راهپیمایی شعارهای برجسته بسیاری در دفاع از مردم فلسطین سر داده شد. حضور نیروهای طرفدار فلسطین در این تظاهرات چشمگیر بود.

در محل پارک برگزارکنندگان این مراسم یعنی اتحادیه FNV پودיום سخنرانی برقرار ساخته و در دو سه نقطه در محل پارک موسیقی نواخته می‌شد و تعداد بسیار زیادی چادر و دکه‌هایی نصب شده بود که تظاهرکنندگان در آنها می‌توانستند انواع مختلف غذا و نوشیدنی که توسط اتحادیه تدارک دیده شده بود را دریافت کنند.

مطابق برآوردهای مختلف، جمعیت شرکت کننده در این روز بین شش تا ده هزار نفر تخمین زده شد.

نیروهای سیاسی ایرانی، همانند سایر فعالین سیاسی مقیم هلند از کشورهای مختلف، فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. فعالین کمیته‌ی حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران-هلند که فعالین چریک‌های فدائی خلق ایران در هلند بخشی از آن هستند، در این تظاهرات شرکت داشتند. فعالین چریک‌های فدائی خلق، پرچم سازمان و همچنین بنر "اول ماه می تعطیل باید گردد" که یک خواست دیرینه کارگران هلند است را در طی راهپیمایی حمل می‌کردند.

در جریان راهپیمایی و در محل پارک پیام کمیته‌ی حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران - هلند به مناسبت اول ماه مه به سه زبان فارسی و انگلیسی و هلندی در میان جمعیت پخش شد.

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر، سمبل

همبستگی بین المللی کارگران!

نابود باد رژیم وابسته و کارگر ستیز جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریک‌های فدائی خلق ایران در هلند - ۲ می ۲۰۲۴

همه جناح هاش و همه کسانی که در واقع خواهان نظم موجود اند می بینند. امیدوارم که این توافق را ما حداقل در این جنبه ها با هم داریم. خوب شیوه ها و گفتگو ها را باید گفتگو کرد.

رفیق سنجرى با خنده : به هر حال سپاس از وقتی که به من دادید.

تبدیل شده خیلی ها چپ را فقط یعنی چپ و راست را نه فقط در عرصه بین المللی خصوصا در عرصه منطقه ای علیه تجاوز جنایتکارانه اسرائیل به غزه و کشتار و نسل کشی که در آنجا هست در اینکه رنج مردمان غزه در واقع بی اعتنا نباشیم در عین حال علیه سلطه امپریالیستی و سلطه استعماری که نوبی منطقه ماست و علیه جمهوری اسلامی و

مجری برنامه : سازمان مشخص

امروز نه در کلیات...

پاسخ: امروز ببینید ما یک مبارزات گسترده کارگری داریم آمار هم خودتان دادید که بیش از سه هزار در عرض یکسال اعتصاب کارگری شده است و این اعتصابات در همه کشور هست در یک شهر نیست در یک مرکز تولیدی مثلا شرکت نفت هم نیست در همه کارخانجات و در همه کشور پراکنده است. اون هائی که در این جامعه ای که طبقه حاکمه و رژیم حافظ اش جمهوری اسلامی، اینها را در فقر وفلاکت نگه داشته آنهایکه میخواهند این رژیم را بپندازند و با قدرت مردم به رهبری همین کارگرها این رژیم را بپندازند و یک شرائطی را ایجاد بکنند که مردم بتوانند آزادانه سرنوشت خودشان را تعیین بکنند اینها چپ های این جامعه هستند و چپ این جامعه اتفاقا یک زمینه اجتماعی خیلی وسیعی دارد در خود ایران، اینکه سازمان هایش پراکنده است اینکه ایده ها و افکار مختلف در آن هست ذره ای در این واقعیت اخلال ایجاد نمیکند شک ایجاد نمیکند آن چیزی که درست است این است که در درون جامعه ما با یک طبقه کارگر خیلی رزمنده ای مواجه هستیم که بورژوازی ایران آن را به مرگ قطعی محکوم کرده یعنی حتی آن حد به او دستمزد نمیدهد که به بازتولید نیروی کارش منجر شود یعنی برای اینکه باز تولید کند نیروی کارش را مجبور است که یا اضافه کاری کند و یا الان کارگرانی که دو تا شغل دارند زیاد داریم در نتیجه آنهایکه میخواهند بدون دخالت خارجی با تکیه بر همین کارگرها، با تکیه بر همین ستمدیدگان نظم موجود را از بنیان در هم بشکنند و یک نظم جدیدی برقرار کنند آنها چپ این جامعه هستند با زمینه اجتماعی، ولی مهم این است که بقول معروف این سازمانهایی که مدعی چپ هستند هر کدام، خود ما، چطور میتوانند با این نیروی اجتماعی در پیوند قرار بگیرند رابطه تنگاتنگ ایجاد بکنند و بتوانند آن سازمان مورد نیاز برای رهبری مبارزات این مردم را ایجاد بکنند. این آن سئوالات اساسی است که ما برای آن ها پاسخ های مشخصی داریم که البته مورد توافق خیلی ها هم نیست.

فریبرز سنجرى:صدای شما قطع شد.

مجری برنامه (علی دماوندی): بله. درود بر تو فریبرز جان ممنونم حالا امیدوارم که باز هم شما را داشته باشیم، باز هم گفتگو بکنیم ممنون از تو، و ممنون از شما بینندگان عزیز برنامه گفتگو که حوصله کردید و گفتگو را دنبال کردید.

رفیق سنجرى : من هم یکبار دیگر سیاسگزاری میکنم از شما و از همه بینندگان این برنامه و امیدوارم که زیاد خسته شان نکرده باشیم.

مجری برنامه: حتما. گفتگوی خوبی بود ممنونم حقیقتش را بخواهید ما این مسئله در واقع چپ و راست الان بیک بحث در واقع رسانه ای تا حدی

مرگ رئیسی جلاد و شادی توده‌ها!



ایفای نقش در سرکوب توده‌ها و حفظ رژیم و نظام دیکتاتوری حاکم پرداخت، ضربه‌ای به رژیم جمهوری اسلامی ست و درست از این زاویه است که ما شاهد خوشحالی وصف ناپذیر مردم و به ویژه جوانان و دهن کجی آنها به حکومت هستیم. اما واقعیت این است که با توجه به ساختار اقتصادی-سیاسی حاکم بر کشور ما یعنی نظام سرمایه داری وابسته که دیکتاتوری عریان روبنای ذاتی آن است مرگ و یا از صحنه خارج شدن هیچ‌یک از مهره‌های تبهکار حاکم به خودی خود منجر به تغییر و بهبود شرایط فاجعه بار حاکم بر زندگی کارگران و زحمتکش‌شان ما نمی‌گردد. این حکومت و سیستم حاکم تنها در جریان یک انقلاب توده

ای قهرآمیز و برخوردار از یک رهبری انقلابی، سرنگون خواهد شد، امری که مبارزات کارگران و زحمتکش‌شان و افشار تحت ستم در ابعاد کوچک و بزرگ و قیام‌های متعدد قهرآمیز مردمی علیه کل نظام حاکم که به خصوص در سالهای اخیر شاهدش بودیم راه را برای این سرنگونی هموار می‌کنند.

در انقلاب پیروزمند ایران تک تک مزدوران و مجریان جنایت علیه مردم ما یا در صحنه نبرد توسط توده‌های پر خشم و کین به سزای اعمال خود رسانده خواهند شد و یا در محاکمات خلقی و علنی به سزای اعمال خود خواهند رسید، محاکماتی که طی آن این جانپان پرده از تاریکخانه اسرار و اعمال جنایتکارانه خود در بارگاه توده‌ها بردارند تا محاکمه و مجازات آنان به امر رشد آگاهی مردم ما و تجربه اندوزی آنان یاری رساند. آرزوی واقعی مردم ما رسیدن به چنین شرایطی ست. ابراز شادی توده‌های در بند و داغدیده ما نیز از مرگ رئیسی جلاد به مثابه یکی از منفورترین مهره‌های جمهوری اسلامی تنها گوشه‌ای از شدت و عمق این آرزوی دیرینه و مشروع آنان جهت نابودی این رژیم را به نمایش می‌گذارد.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
هر چه توفنده تر باد مبارزات دلیرانه مردم ما برای نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

با تأیید رسمی مرگ رئیسی جلاد، عضو "هیات مرگ" جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ و یکی از عاملین قتل عام هزاران تن از بهترین نوجوانان و جوانان مردم ایران در کشتار سیستماتیک دهه خونین ۶۰، موجی از شادی و شغف جامعه تحت سلطه و توده‌های رنج‌دیده ما بویژه بازماندگان داغدار جنایات و تبه‌کاری‌های توصیف ناپذیر این مهره مزدور و خادم نظام استثمارگر حاکم را فرا گرفت. رئیسی روز گذشته، در جریان سقوط هلی کوپتری که حامل وی و چند تن دیگر از مهره‌های سرشناس حکومت، از جمله امیر عبدالهیان وزیر خارجه رژیم، آخوند آل هاشم امام جمعه تبریز و مالک رحمتی، استانداری آذربایجان شرقی بود در بازگشت از سفر خود از رودخانه ارس، پس از افتتاح یک سد مشترک با کشور آذربایجان به هلاکت رسید.

رهبر جمهوری اسلامی یعنی خامنه‌ای تبهکار در اندوه از دست دادن یکی از مهره‌های مهم ماشین استثمار و سرکوب حاکم، با اعلام ۵ روز عزای عمومی به ستایش از این "خدمتگزار صمیمی" نظام و "تلاش‌های بی وقفه" وی در "پیشرفت" امورات نظام دیکتاتوری حاکم علیه توده‌ها پرداخت. او با توجه به آگاهی‌اش از عمق نفرت توده‌ها نسبت به رئیسی و نظام حاکم اطمینان داد که مرگ وی در کار دستگاه حاکم "اختلالی" ایجاد نمی‌کند و فریبکارانه مرگ این مهره مهم برای دستگاه حکومتی را به مردم ایران "تسلیت" گفت. اما تسلیت وی در شرایطی است که مردم مبارز ایران حتی قبل از اعلام رسمی مرگ رئیسی و همراهانش از طرق مختلف و از جمله از طریق ساختن جوک‌های متعدد در وصف خوار بودن و جلادی این مهره تبهکار جمهوری اسلامی و کل حکومت شادی و شغف خود از این که جمهوری اسلامی یکی از مهره‌های کارکشته خود را از دست داده است ابراز داشتند تا جایی که در تهران و سقز و چند شهر دیگر توده‌های به جان آمده با به راه انداختن آتش بازی و رقص به این حادثه عکس العمل نشان دادند و گوشه‌ای از خشم و نفرتشان از یکی از منفورترین دشمنان خود در رژیم حاکم را به نمایش گذاردند.

بدون شک حذف رئیسی به عنوان یک جلاد منفور، شخصی که از ۲۰ سالگی در مناصب دادستانی و و سپس عضویت در هیات مرگ و سرانجام به عنوان رئیس جمهور مورد اعتماد خامنه‌ای به

گرامی باد ۲۲ آپریل (دوم اردیبهشت) سالگرد تولد رهبر فراموش نشدنی و اندیشمند بزرگ پرولتاریا، و.ای.لنین

"وقتی که کارگران و تمام مردم زحمتکش نه فقط به عنوان نتیجه بردگی مزدی سرمایه داری بلکه به عنوان نتیجه چهار سال جنگ غارت‌گرانه بی خوراک و پوشاک، خانه خراب و فرسوده شده‌اند، در حالیکه سرمایه‌داران و استفاده‌چی‌ها از موضع تصاحب «مالی» که غارت کرده‌اند و دستگاه «حاضر و آماده» قدرت دولتی، باقی مانده‌اند، صحبت کردن از دموکراسی ناب، دموکراسی عام، برابری، آزادی و حقوق همگانی در واقع به مسخره گرفتن انسان‌های زحمتکش و استثمار شده است. این معادل با زیر پا گذاشتن واقعیت‌های اساسی مارکسیسم است که به کارگران آموخته است: شما بایستی از دموکراسی بورژوازی که در مقایسه با فنودالیسم پیشرفت تاریخی بزرگی محسوب می‌شود، سود ببرید اما برای «دموکراسی» و سرشت مشروط و محدود تاریخی‌اش را فراموش کنید. هرگز در «اعتقاد خرافی» نسبت به دولت سهیم نشوید و هیچ‌گاه فراموش نکنید که دولت حتی در دموکراتیک‌ترین جمهوری‌ها، نه فقط در حکومت سلطنتی، به سادگی ماشین سرکوب یک طبقه توسط طبقه دیگر است."

لنین



گزارشی از فعالیتهای فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در کشورهای مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران
علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در دورنمون
اول ماه مه ۲۰۲۴

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در استکهلم سوئد



به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر، امسال در اول ماه مه جمعیت عظیمی برای گرامیداشت روز کارگر در میدان "kungsträdgården" باغ شاه، استکهلم تجمع کردند. مراسم امسال همراه با پخش موزیک و سخنرانی های متعددی در چند نقطه شهر بود که مضمون بسیاری از آن سخنرانی ها دفاع از خلق فلسطین و محکوم کردن صهیونیسم اسرائیل و نسل کشی توده های تحت ستم غزه بود. مراسم اول ماه مه باراهپیمایی بزرگی همراه بود. همچنین سندیکالیستها و احزاب دیگر با شعارهایی نظیر "مبارزات زنان مبارزه طبقاتی است"، "به کارگران رای دهید" و "نه به ناتو" با پرچمهای سرخ در راهپیمایی شرکت کردند. فعالین چریکهای فدایی خلق از ساعت ۱۱ صبح در قسمتی از این میدان حاضر شده و با نصب بنر ها، آرم، نشریات و اعلامیه های سازمان به تبلیغ و روشننگری پرداختند. افراد زیادی که از این مسیر می گذشتند از بنر ها عکس و فیلم می گرفتند با نظرات و سئوالات متفاوت با رفقا گفتگو می کردند. پس از شنیدن صحبت های رفقا و بحث های انجام شده، از سوی سوئدی ها بطور مکرر عباراتی نظیر "jävla Irans regimen" (رژیم لعنتی ایران) شنیده می شد که بیانگر نظر آنها راجع به ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی بود.

محتوای بسیاری از گفتگو ها حول وضعیت بد معیشتی کارگران و فشارهای اقتصادی فاجعه بار از سوی سرمایه داران به این طبقه در ایران و کشورهای مختلف بود. همچنین در صحبتها بر حقانیت مبارزات خلق فلسطین علیه سلطه صهیونیسم و حامیان امپریالیستش و نفرت به حق توده ها در سراسر جهان از نظام سرمایه داری تاکید می شد. در یک مورد، یک خبرنگار افغانستانی گفت باید با نفوذ موساد و سیا مسلحانه جنگید. این خبرنگار، از زندگینامه رفیق حمید اشرف اطلاعات زیادی داشت و مطرح می کرد که شاه بدستور سازمان سیا او را کشت. شخص دیگری که خود را علاقمند به تاریخ و چریک های فدایی خلق معرفی می کرد گفت در دوران دانشجویی در یک دانشکده با آنها بودم و تأثیرات فراوانی از آنها در محیط دانشکده بر جای گذارده شد. نشریات پیام فدایی و ماهنامه کارگری را برداشت و کتاب جدید رفیق اشرف دهقانی به او معرفی شد. یک مرد جوان سوئدی با تشویق چریکها به مبارزه علیه جمهوری اسلامی از سوسیالیسم به عنوان راه نجات کارگران صحبت کرد همچنین

گزارشی از راهپیمایی اول ماه مه در دورنمون آلمان



در روز چهارشنبه اول ماه می ۲۰۲۴، روز جهانی کارگر، راهپیمایی باشکوهی در شهر دورنمون آلمان برگزار شد. به رسم هر سال مردم در خانه ایرای شهر تجمع و به سپس به سمت وستفالن پارک (وستفالن هاله) راهپیمایی کردند. مطابق برخی آمار رسمی منتشر شده تعداد شرکت کنندگان ۵ هزار نفر تخمین زده شده بود که همه واقفیت را منعکس نمی کند.

در مسیر راهپیمایی شعارهای مختلف ضدامپریالیستی و ضدفاشیست و ضدنظام سرمایه داری در آلمان و جهان از طرف مردم سرداده شد. تظاهر کنندگان در شعارهای خود تاکید می نمودند که دولت اولاف شولتز و حزب حاکم را مقصر گسترش جنگ افروزی در سراسر جهان و رشد راستگرایی و تبلیغ فاشیست در آلمان میدانند و در نتیجه شعارهایی بر ضد حزب راست AFD سردادند.

در جریان این حرکت، نمایندگان اتحادیه های کارگری و حزب کمونیست کارگری آلمان مبادرت به سخنرانی علیه نظام امپریالیستی در جهان و آلمان کردند و از دیدگاه خود تعریف کمونیستی از سوسیالیسم واقعی نمودند و بر این نکته دست گذاردند که رخنه ایپورتونیسیم در آلمان شرقی پدیده ای به اسم سوسیالیسم غیرواقعی را بوجود آورد که هیچ شباهتی به سوسیالیسم واقعی کمونیستی ندارد. سخنرانان در ادامه، از روند تورم و گرانی و فقر و بیکاری صحبت کردند.

مطابق آمار از ژانویه سال جاری بیش از پنجاه حرکت اعتراضی اتفاق افتاده و حدود چهار میلیون و صد هزار نفر در اعتراضات ضد حزب حاکم AFD در آلمان شرکت کرده اند.

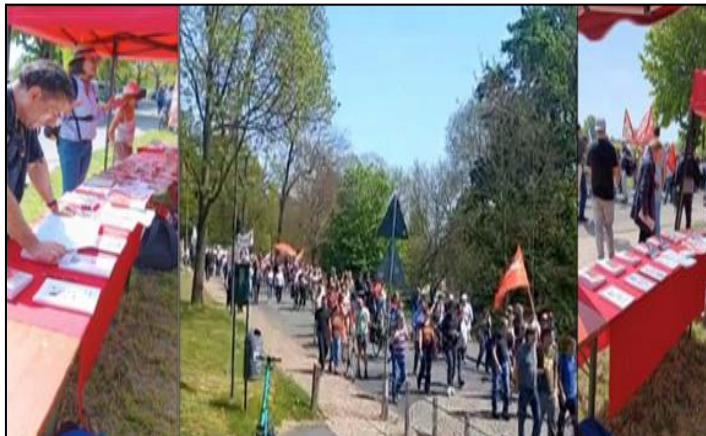
در ادامه مراسم، در وستفالن پارک، اتحادیه های کارگری علیه وضع موجود، وضعیت حقوق و تورم و مالیاتها و بیمه های سنگین و بیکاری که بار وحشتناک آنها روز به روز بر دوش کارگران و اقشار مختلف جامعه فشار بیشتری می آورد سخنرانی کردند

در این مراسم فعالین سیاسی از ملیت های مختلف ساکن آلمان شرکت داشتند. فعالین چریک های فدایی خلق ایران نیز با بنرهای مختلف از سازمان و پرچم فلسطین در این راهپیمایی شرکت کردند که باعث شد تظاهرکنندگان با دیدن پرچم فلسطین شعارهایی در حمایت از خلق فلسطین هم سردهند. همچنین اعلامیه چریک های فدایی خلق به زبان آلمانی از طریق بلندگو در طول راهپیمایی برای همگان خوانده شد. رفقا با پخش اعلامیه های سازمان مواضع خود علیه امپریالیسم و جمهوری اسلامی را در جریان حرکت در بین شرکت کنندگان و نیروهای دیگر یخش نمودند.

این تظاهرات فعالین چریکهای فدائی خلق ایران نیز شرکت داشتند.

**گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن
۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ برابر با اول ماه مه ۲۰۲۲**

گزارشی از تظاهرات اول ماه مه در کاسل آلمان



روز چهارشنبه اول ماه مه، تعداد کثیری از فعالین کارگری و نیروهای چپ از ملیت های مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر در شهر کاسل دست به راهپیمائی زدند. تظاهرکنندگان ابتدا در ساعت ۱۰ صبح در یکی از مراکز فرهنگی این شهر تجمع کرده، سپس با دادن شعار به طرف مرکز شهر که محل سخنرانی های نهایی بود، راهپیمایی کردند. در میدان اصلی شهر، سخنرانان که بیشتر نمایندگان اتحادیه های کارگری آلمان بودند در ارتباط با مزد بیشتر، ساعات کار کمتر و امنیت شغلی به سخنرانی پرداختند و خواستار رسیدگی به مطالبات کارگران، مطالبات پرستاران و دیگر اقشار جامعه بجای صدور اسلحه به کشورهای دیگر و حمایت دولت از جنگ های ضد مردمی شدند. سخنرانان همچنین نسل کشی دولت اسرائیل علیه خلق فلسطین را محکوم کردند که این امر با تشویق و هورا کشیدن و حمایت شرکت کنندگان مواجه گردید. سپس راهپیمایی به سوی محل تجمع همیشگی که یکی از پارک های شهر بود ادامه یافت. این پارک جهت تجمع شرکت کنندگان و گذاشتن میز کتاب انتخاب شده بود.

فعالین چریک های فدایی خلق در مسیر راهپیمایی اعلامیه های تشکیلات را به مناسبت روز جهانی کارگر به زبان های آلمانی و فارسی پخش کردند. آنها همچنین در پارک محل تجمع پایانی تظاهرات میز کتاب گذاشتند که با استقبال مراجعہ کنندگان مواجه گردید. رهگذران و مراجعہ کنندگان با دیدن کتابها و اعلامیه ها به زبان آلمانی، با طرح سوالات گوناگون در صدد بیشتر آشنا شدن با مواضع چریک های فدایی خلق بر آمدند که پاسخ های لازم به آنها داده شد و در توضیح به افشاگری نسبت به جنایات دو رژیم وابسته در ایران یعنی رژیم سلطنت و جمهوری اسلامی و نقش مبارزاتی چریک های فدایی خلق که خواستار یک جامعه دمکراتیک به رهبری طبقه کارگر می باشند، اشاره گردید. در پایان مراسم، طبق روال هر سال، شرکت کنندگان به رقص زیبای کردی مبادرت نموده و سرود انترناسیونال را سر دادند.

**زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب، زنده باد کمونیسم!**

**فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در کاسل-آلمان
اول ماه مه ۲۰۲۲**

اعلامیه به زبان سوئدی و نشریات فارسی را برای دوستان ایرانی اش برداشت. افرادی از کشورهای بنگلادش، ازبکستان، تاجیکستان، ترکیه نیز به رفقا مراجعه کردند که در صحبتهایشان توجه خاصی به شرایط ایران داشتند. مراجعینی از سوریه و عراق نیز بودند که بادقت تمام به بنر ها نگاه می کردند و می گفتند شرایط در کشور ما هم چنین است!

مراسم اول ماه مه، این روز مهم همبستگی مبارزاتی کارگران و زحمتکشان دنیا با سرود انترناسیونال و شادی دیدار رفقا در ساعت ۵ بعدازظهر پایان یافت.

**زنده باد روز جهانی کارگر!
نابود باد نظام سرمایه داری!
زنده باد انقلاب! پیروز باد سوسیالیسم!**

**سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد-
استکهلم - ۲ می ۲۰۲۲**

گزارشی از راهپیمائی روز جهانی کارگر در لندن



روز چهارشنبه اول ماه مه، شهر لندن شاهد تظاهرات پرشکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر بود. همچون سالهای گذشته تظاهرکنندگان در محل کتابخانه مارکس تجمع نموده و سپس به سمت میدان ترافلگار اسکوتر راهپیمائی کردند. در طول راهپیمائی تظاهرکنندگان شعارهای انقلابی سرداده و سرودهای مترقی پخش می کردند. در این تظاهرات که چند هزار نفر در آن شرکت داشتند جدا از فعالین اتحادیه های کارگری انگلستان و فعالین سیاسی این کشور، فعالین سیاسی ملیتهای مختلف ساکن این کشور نیز با گرایشات سیاسی گوناگون فعالانه حضور داشتند. به همین دلیل هم در طی این حرکت مبارزاتی بنر ها و پرچم های جریانات سیاسی مختلف از کشور های گوناگون افراشته شده بود. در میان فعالین ملیتهای مختلف فعالین کشور ترکیه برجستگی بیشتری داشتند همچنین فعالین سیاسی ایرانی نیز حضور فعالی داشتند.

تجمع اولیه در حدود ساعت ۱۲ شکل گرفت و راهپیمائی حدود ساعت یک شروع شد و راهپیمایان حدود ساعت سه و نیم به میدان ترافلگار اسکوتر رسیدند. در این میدان، فعالین کارگری و سیاسی متعددی سخنرانی کردند. یکی از سخنرانان امسال نماینده فلسطین در انگلستان بود که در صحبت های خود گوشه ای از جنایات دولت اسرائیل در غزه را تشریح نموده و نسل کشی بیشرمانه مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل را بازگو کرد که سخنرانی اش با استقبال شرکت کنندگان مواجه شد. جدا از این سخنرانی در طول راهپیمائی نیز شمار زیادی پرچم های فلسطین دیده می شد که بیانگر همبستگی مردم با خلق فلسطین بود. در

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

سازمان را به آلمانی و بصورت صوتی از طریق بلندگوی تظاهرات پخش کردند. بعد از این برنامه، راهپیمایی شروع شد.

همچنین در این مراسم، در مسیر راهپیمایی، نیروهای سیاسی مختلف در Denkmal Der Republik مبادرت به برپایی میز کتاب کردند که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران نیز میز کتاب بزرگی تدارک دیده بودند. از طریق این میز، کتابهای تشکیلات به زبان فارسی و آلمانی در بین علاقمندان توزیع می‌شد. همچنین اعلامیه موشک پراکنی جمهوری اسلامی به اسرائیل به زبان آلمانی و انگلیسی و پیام روز جهانی کارگر به زبان آلمانی تظاهرکنندگان پخش شد. در میز کتاب، بنر حاوی شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر" که به زبانهای آلمانی، انگلیسی و فارسی نصب شده بود با استقبال تعداد زیادی از بازدیدکنندگان مواجه شد. در این مراسم فعالین سیاسی ایرانی نسبت به سال گذشته حضور بیشتری داشتند. یکی از نکات قابل تاکید، گستردگی پشتیبانی از خلق فلسطین بود که زیاد به چشم می‌خورد. کلا نیروهایی که سیاستهای سرمایه داری را رد و از سوسیالیسم دفاع می‌کردند حضور برجسته‌ای داشتند.

با پایان راهپیمایی، بخشی از جمعیت در محل اختتام مراسم جمع شده و تا مدتها به بحث و رقص و پایکوبی پرداختند.

**گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
پیروز باد مبارزات کارگران علیه سرمایه داران!
نابود باد رژیم دار شکنجه جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب، زنده باد کمونیسم!**

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در وین - اتریش

دوم ماه مه ۲۰۲۴

گزارشی از مراسم روز جهانی کارگر در وین - اتریش



روز چهارشنبه اول ماه مه، شهر وین شاهد تظاهرات بزرگی در گرامیداشت روز جهانی کارگر بود. به روال هرساله، تظاهر کنندگان و از جمله نیروهای سوسیال دمکرات از ساعت ۸ صبح تا بعدازظهر از Opernring تا Rathausplatz راهپیمایی می‌کنند.

در ادامه این حرکت، با کمی فاصله، نیروهای چپ اتریشی و خلق‌های دیگر، راهپیمایی خود را از مکان Staatsoper تا Sigmund-Freud-platz شروع کرده و ادامه دادند. بنا به سنت همیشگی، در طول مراسم این روز، نیروهای سیاسی گوناگون اتریشی و فعالین سیاسی خلق‌های مختلف ساکن وین، ضمن راهپیمایی به تبلیغ نظرات و مواضع سیاسی خود می‌پردازند. قبل از شروع راهپیمایی به هر نیرویی که در این راهپیمایی شرکت می‌کند امکان می‌دهند که نظرات تشکیلات خود را در مورد روز کارگر و یا بیانیه خود را توضیح بدهد. به همین دلیل هم در این قسمت فعالین چریکهای فدایی در وین هم چکیده پیام روز کارگر

اول ماه مه در کشورهای مختلف



آمستردام: گزارشی از آکسیون علیه اعدامها... از صفحه ۲۰

این حرکت از ساعت ۱ بعد از ظهر شروع و در ساعت ۴ با موفقیت به پایان رسید.

نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!

**نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم! با انقلاب علیه استثمارگران، در هم می شکنیم بساط دار و شکنجه را!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!**

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند

۲۰ آوریل ۲۰۲۴

آمستردام: گزارشی از آکسیون علیه اعدامهای رژیم



در چارچوب تظاهرات های متعددی که در کشورهای مختلف علیه احکام وحشیانه اعدام بیدادگاه های جمهوری اسلامی علیه مردم و مخالفین و مبارزین صادر می شود روز یکشنبه ۲۸ آپریل ۲۰۲۴ یک آکسیون مبارزاتی برای رساندن صدای قربانیان رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و همچنین پژواک فریاد زندانیان سیاسی در افکار عمومی در شهر آمستردام برگزار شد.

این آکسیون به فراخوان "کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران بخشی از آن می باشند برگزار شد. میدان دام آمستردام، جایی که برای محل آکسیون در نظر گرفته شده بود با بنرهای مبارزاتی و شعارهای برجسته علیه رژیم جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش تزئین شده بود.

در طول حرکت شعارهای زیادی به زبانهای مختلف علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی زندانیان سیاسی سر داده شد، از جمله "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد" و... همچنین شعارهایی در محکومیت احکام اعدام مبارزین و مخالفینی که در چنگال جمهوری اسلامی اسیر هستند نظیر عباس دریس، توماج صالحی و مجاهد کور کور سرداده شد.

در طول این آکسیون به علت وجود پرچم فلسطین تعداد زیادی مراجعین ایرانی و غیر ایرانی در مورد مواضع سازمان راجع به نسل کشی مردم فلسطین سوال می کردند و این موضع که دفاع از خلق فلسطین و محکوم کردن رژیم اشغالگر و تبهکار اسراییل و حامیان امپریالیستش به معنی تایید جنایات دار و دسته وابسته و ضد خلقی نظیر حماس نیست را قبول داشتند و از آن استقبال می کردند.

ادامه در صفحه ۱۹

گزارش کوتاهی از یک آکسیون مبارزاتی در هلند



روز شنبه ۲۰ آپریل در میدان "دام" آمستردام، آکسیونی در حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران، بویژه مبارزات زنان ایران علیه حجاب اجباری و همچنین علیه اعدامهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی برگزار شد. این آکسیون توسط کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند که فعالین چریکهای فدایی خلق بخشی از آن هستند برگزار شد. به رغم هوای بارانی و بسیار بد که امکان نمایش و نصب بسیاری از بنرهای مبارزاتی در محل را می گرفت، رفقای برگزار کننده، آکسیون را از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع کرده و در محل به پخش اطلاعیه های افشاگرانه علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به زبانهای انگلیسی و فارسی و هلندی مبادرت کردند. همچنین در طول مدت این حرکت ترانه سرودهای مبارزاتی و مردمی به زبانهای کردی، ترکی، عربی و فرانسوی پخش شد. همچنین رفقای برگزار کننده حرکت در چند نوبت یک متن انگلیسی افشاگرانه راجع به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و جنایات روزمره آن علیه کارگران و زحمتکشان ایران و مبارزات دلیرانه مردم ایران برای سرنگونی این رژیم و نظام حاکم را در محل از پشت بلندگو قرائت کردند. همچنین در مدتی که میز کتاب فعالین چریکهای فدایی خلق برقرار بود تعدادی از کتابهای سازمان و یک تی شرت منقش به آرم چریکهای فدایی خلق ایران در اختیار تنی چند از بازدید کنندگان ایرانی و غیر ایرانی قرار داده شد. این آکسیون در ساعت ۴ بعد از ظهر به اتمام رسید.

نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند
سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ برابر با ۲۲ آپریل ۲۰۲۴

آدرس پست الکترونیک
E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان
Siahkal Fadaye

کانال تلگرام
@BazrhayeMandegar

اینستاگرام
BazrhayeMandegar2

برای تماس با
چریکهای فدایی خلق ایران
با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت
از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران
در اینترنت دیدن کنید:
www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی
در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!